

معیارهای احراز نقض مستقیم فرآیند اختراعی؛ مطالعه‌ی تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا^۱

مهسا مدنی^۲

چکیده

پیشرفت فناوری موجب بروز نوع خاصی از نقض فرآیندهای اختراعی شده است که در حقوق آمریکا به نقض مشترک شهرت دارد. معیارهایی از قبیل نمایندگی، میزانی از رابطه، اقدام مشترک، کنترل یا هدایت و صرف انگیزش، برای احراز نقض در چنین فرضی به کار گرفته شده است. به نظر می‌رسد در هر حال معیار اصلی در آمریکا، «احراز وجود رابطه» است که در این امر در قالب معیارهای مختلف پدیدار می‌شود. در حقوق ایران با عنایت به عدم وجود قاعده شخص واحد، نقض مشترک فرآیندهای اختراعی، تحت حاکمیت فرض اجتماع سبب و مباشر مدنی و کیفری قرار داشته و می‌توان گفت با اعمال قاعده فقهی اتلاف و اصل مسئولیت مباشر در فرض اجتماع با سبب، چنین اختلافاتی را پایان می‌دهد. این مسأله مزیت حقوق ایران نسبت به آمریکا تلقی می‌شود. در تحقیق حاضر تلاش می‌شود تا ضمن تبیین مفهوم نقض مشترک، معیارهای رویه قضایی آمریکا در این خصوص تحلیل شده و موضع حقوق ایران نیز روشن گردد.

کلیدواژه‌ها: نقض مشترک، فرآیند اختراعی، حقوق آمریکا، حقوق ایران،

قاعده اتلاف

۱- تاریخ دریافت مقاله ۹۷/۱۱/۲۷، تاریخ پذیرش مقاله ۱۳۹۹/۰۸/۲۰

۲- دکتری حقوق خصوصی و استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

درآمد

نقض اختراع تجاوز به حقوق انحصاری صاحب اختراع است. نقض معمولاً زمانی واقع می‌شود که یک شخص منفرداً تمام ادعاها و عناصر آن را به مرحله اجرا می‌گذارد. در دنیای دیجیتال کنونی بسیاری از اختراعات ثبت شده، فرآیندهای چندمرحله‌ای هستند که اجرا و پیاده‌سازی آن مستلزم طی تمام مراحل می‌باشد، در غیر این صورت فرآیند مزبور عمل نکرده و بدیهی است که اجرای بدون مجوز آن هم نمی‌تواند مشمول عنوان نقض اختراع قرار گیرد.

بهره‌برداری غیرمجاز از اختراعاتی که نقض آنها منوط به اقدام بیش از یک نفر است، نقض مشترک^۱ یا تقسیم‌شده^۲ نامیده می‌شود. (Lemley et al, 2005: 255)

این حکم منطقی است و البته در هر دو نظام حقوقی ایران و آمریکا پیروی می‌شود. با این حال، در حقوق آمریکا، قاعده‌ای شکل گرفته است که به موجب آن، نه تنها احراز نقض اختراع فرآیند مستلزم پیاده‌سازی و اجرای تمام مراحل آن است، بلکه اجرای تمام مراحل نیز باید توسط «یک شخص» صورت گیرد تا دادگاه‌ها نقض اختراع را محقق بدانند.

(BMC Res, Inc. v. Paymentech, L.P, 498 F.3d 1373, 1378 (Fed. Cir. 2007).)

از این قاعده تحت عنوان «قاعده شخص واحد» یاد می‌شود. این مسأله موجب سوءاستفاده رقبا می‌گردد، زیرا با توسل به این قاعده، قادر خواهند بود تا ضمن تبانی با یکدیگر، اجرای مراحل مختلف یک فرآیند ثبت شده را میان یکدیگر تقسیم نموده و از اتهام نقض حق نیز فرار کنند. از سوی دیگر، تحمیل مسئولیت بر تمام کسانی که به نوعی در نقض فرآیند دخیل بوده‌اند نیز ممکن است رقابت در بازار را دچار اختلال کند، زیرا همه افراد دخیل در نقض، لزوماً عالم به فرآیند ثبت شده نیستند اما ممکن است با دیگر افراد، در نقض فرآیند به نحو مشترک عمل نمایند.

1- Joint Infringement

2- divided infringement

دادگاه‌های آمریکایی در تلاش به منظور ایجاد موازنه بین این دو امر، (حفظ حقوق مخترع و رقابت در بازار) معیارهای مختلفی در راستای احراز نقض در چنین وضعیتی ابداع نموده و به کار بسته‌اند.

در حقوق ایران به دلیل عدم وجود قاعده شخص واحد، دادگاه‌ها می‌توانند با استفاده از قواعد اجتماع سبب و مباشر یا اتلاف مال غیر، حکم قضیه را تحصیل نمایند و از این منظر وضعیت حقوقی ایران بر آمریکا ترجیح دارد، چراکه دچار تکلف‌هایی که گاه ناشی از تفسیر کاملاً لفظی نص قانون می‌باشد،^۱ نشده و با رویکردی منطقی قادر خواهد بود، حکم قضیه را بیابد.

پرسش اساسی تحقیق حاضر این است که رویه قضایی آمریکا در مواجهه با نقض مشترک فرآیند از معیارهایی استفاده نموده و این معیارها در نظام حقوقی ایران چگونه قابل تفسیر بوده و چگونه می‌توان بر مبنای اعمال قاعده فقهی اتلاف در حقوق ایران حکم قضیه را یافت؟

در ادامه تلاش شده است تا ابتدا مفاهیم مرتبط، بحث و بررسی شود و سپس با تحلیل معیارهای گوناگون اولاً موضع رویه قضایی آمریکا در این زمینه تحلیل گردد و در ضمن، وضعیت نظام حقوقی ایران در مواجهه با نقض مشترک فرآیند روشن شود.

۱- مفاهیم

در ابتدا مفاهیم مرتبط با بحث تبیین می‌شود؛ نقض اختراع، نقض مشترک، ادعای ناظر بر فرآیند و قاعده شخص واحد مفاهیم مورد بررسی در این قسمت می‌باشند.

۱- شایان ذکر است که قاعده شخص واحد بر مبنای تفسیر لفظی واژه «هر کسی» مندرج در بند الف ماده ۲۷۱ قانون اختراعات آمریکا شکل گرفته است؛ در این ماده آمده است: «... هر کسی که...»
 “Except as otherwise provided in this title, whoever without authority makes, uses, offers to sell, or sells any patented invention, within the United States or imports into the United States any patented invention during the term of the patent therefor, infringes the patent.”

۱-۱ مفهوم و قلمرو نقض اختراع

نقض در فرهنگ حقوقی و بسستر به تجاوز نسبت به کپی رایت، اختراع یا علامت تجاری تعریف شده است Webster's (New World Law Diction- ary, 2006:157) در معنای تجاوز نیز آمده است، تخطی از هرگونه حق یا تکلیف (ibid,270) بنابراین، نقض اختراع یعنی تجاوز به حقوق انحصاری صاحب اختراع؛ نقض وظیفه‌ی قانونی، خطا نامیده می‌شود و در مجموع، وجود تکلیف مراقبت به علاوه نقض آن، تقصیر را شکل می‌دهد. بر این مبنا، نقض اختراع یک خطای مدنی به حساب می‌آید.

در فرهنگ حقوقی بلک نیز همین مفهوم از نقض اختراع بیان شده است. (Black's Law Dictionary, 2004: 2286)

نویسندگان حقوقی نیز با نقل مفهومی مشابه بر این باورند که به طور کلی نقض اختراع در نتیجه تجاوز به حقوق انحصاری صاحب اختراع در قلمرو جغرافیایی آمریکا^۱ و در مدت زمان بیست‌ساله حمایت از آن^۲ واقع می‌شود. (Chisum, Jacobs, 1992: § 2F)

نقض اختراع در حقوق آمریکا تحت مقررات مندرج در ماده ۲۷۱ قانون اختراعات این کشور قرار دارد. بند الف این ماده به نقض مستقیم اختراع پرداخته و بندهای ب و ج به ترتیب حاوی نقض انگیزشی و مشارکتی هستند.

۱- این قید ناشی از اعمال اصل سرزمینی بودن مقررات مالکیت فکری از جمله حقوق اختراعات در دنیا و آمریکا است. برای مطالعه تفصیلی در خصوص این اصل رک:

Lydia Lundstedt, Territoriality in Intellectual Property Law, Sweden, Stockholm University, 2016, Timothy R. Holbrook, Extraterritoriality in U.S. Patent Law, 49 Wm. & Mary L. Rev., 2008, pp. 2119-2192.

۲- شایان ذکر است که طبق بند ۲ ماده ۱۵۴ قانون اختراعات آمریکا، مدت بیست‌ساله از زمان صدور ورقه‌ی اختراع آغاز و تا پایان ۲۰ سال از تاریخ ثبت نخستین اظهارنامه، ادامه می‌یابد.

35 U.S. Code § 154.(2) ("Subject to the payment of fees under this title, such grant shall be for a term beginning on the date on which the patent issues and ending 20 years from the date on which the application for the patent was filed in the United States or, if the application contains a specific reference to an earlier filed application or applications under section 120, 121, 365(c), or 386(c), from the date on which the earliest such application was filed.")

به موجب بند الف ماده ۲۷۱، ناقض مستقیم اختراع کسی است که محصول ثبت‌شده را تولید نموده، استفاده می‌کند، به قصد فروش عرضه می‌نماید یا به فروش می‌رساند. (35 U.S.C.S. § 271(a))

نقض اختراع با توجه به ادعاهای آن مورد بررسی قرار می‌گیرد زیرا قلمرو حقوق اعطایی به صاحب اختراع بر مبنای ادعاهای وی در گواهینامه اختراع تعیین می‌گردد. (Chisum, 1990, § 18.03) بر همین اساس، برخی، نقض اختراع را به معنای تجاوز به حقوق تعیینی ناشی از ادعاهای اختراع تعریف کرده‌اند. (Harmon, 2007: 131) این حقوق، حقوق قانونی مخترع بوده و مورد حمایت قانونگذار قرار می‌گیرد. بر این مبنای بهره‌برداری دیگر افراد، خارج از محدوده ادعاهای اختراع، تجاوز نبوده و نقض حق نیست؟

با توجه به مطالب یادشده، نقض اختراع را می‌توان اینگونه تعریف کرد:

نقض اختراع عبارت از تجاوز به حقوق ناشی از ثبت ادعاهای اختراع؟

در حقوق ایران، برخی از نویسندگان نقض اختراع را اینگونه تعریف کرده‌اند:

«به طور کلی اگر اشخاص، بدون اجازه‌ی صاحب ورقه‌ی اختراع یا قائم مقام قانونی وی اعمالی را انجام دهند که جزء حقوق انحصاری ورقه‌ی اختراع است، تحت شرایطی مرتکب نقض حق گردیده‌اند و صاحب ورقه اختراع می‌تواند آنها را مورد تعقیب قرار دهد.» (میرحسینی، ۱۳۸۷: ۳۱۲)

در فقه، از نقض حق صحبتی به میان نیامده چراکه بر خلاف نظام کامن‌لا، ساختار مسئولیت مدنی فقهی، بر مبنای ورود ضرر شکل گرفته و در فرض اتلاف مال دیگری، تجاوز به حق دیگری، با تقدیر گرفتن تقصیر، ورود ضرر به دیگری معنا می‌دهد. علاوه بر این، بر خلاف حقوق آمریکا که خطای مدنی به معنای تقصیر منتهی به ورود زیان است، در فقه، خطا یعنی تقصیر (بابایی، کشاورز: ۵-۵۴) و از این نظر با نظام آمریکا تفاوت دارد. بنابراین، در حالی که تقصیر در فقه، لزوماً خطا تلقی می‌شود حتی اگر خسارتی به بار نیآورد، نقض وظیفه (تقصیر) در حقوق آمریکا، در صورتی خطا محسوب می‌گردد که منتهی به بروز خسارت شود.

۱-۲ مفهوم و قلمرو نقض مشترک فرآیندهای اختراعی

ادعاهای فرآیند بر خلاف ادعاهای فرآورده توصیف کننده یک شیء محسوس نیستند. (In re Kollar, 286 F.3d 1326, 1332 (Fed. Cir. 2002)). این نوع از ادعاها و قیود مندرج در آن توصیف گر فعل یا مجموعه‌ای از افعال یا سلسله مراحل جهت اجرا هستند و متضمن اجرای یک عمل می‌باشند. بنابراین، تحقق اثر و فایده‌ی آنها موقوف به اجرای مراحل می‌باشد. (Ibid.) بر این اساس، یک فرآیند ضرورتاً می‌بایست بر روی موضوعی خاص اجرا شده تا تغییر ماهیت داده و به حالت یا چیز دیگری^۱ تبدیل شود. (Cochrane v. Deener, 94 (U.S. 780, 788 (1876)).

به همین دلیل، چنانچه مراحل که در یک اختراع فرآیند توصیف شده‌اند نتواند چیز خاصی را تغییر دهد، یک فرآیند ذهنی تلقی شده و غیر قابل ثبت خواهد بود، (Harmon et al, 2007:293) چرا که ایده‌ها و مفاهیم قابل ثبت نیستند. (idem, 2011:58-59) بر خلاف یک سیستم، مراحل یک فرآیند از یک نظم خاصی پیروی نمی‌کنند مگر آنکه منطق و قواعد و محتوای توصیف اختراع مستلزم چنین نظمی باشد.^۲ بنابراین، مراحل مختلف فرآیندها می‌تواند حتی به طور همزمان واقع شده یا قبل از اینکه مرحله قبلی خاتمه یابد، مرحله‌ی دیگر آغاز شود. (Faber, 2013, :§ 4:3)

بدینسان، مراحل مختلف یک فرآیند، هر یک به تنهایی واجد حق نبوده و افراد در انجام آنها آزادند. برآیند مجموع مراحل مختلف یک فرآیند، ممکن است

۱- نتیجه‌ی ناشی از اجرای فرآیند می‌تواند شیء محسوس یا غیر محسوس مانند داده‌های دیجیتال که قابلیت ذخیره‌سازی در نرم‌افزار را دارند، باشد. رک:

Stephen W. Moore, Note, A Last Step Rule for Direct Infringement of Process Claims: Clarifying Indirect Infringement and Narrowing Joint Infringement, 61 Clev. St. L. Rev., p.833, footnote. 46.

2- see: Bell Commc'ns Research, Inc. v. Fore Sys., 62 Fed. App'x. 951, 954-55 (Fed. Cir. 2003) (citing Altiris, Inc. v. Symantec Corp., 318 F.3d 1363, 1369-71 (Fed. Cir. 2003)); Interactive Gift Express, Inc. v. Compuserve Inc., 256 F.3d 1323, 1342 (Fed. Cir. 2000)).

سودمند بوده و بهره‌برداری از آن، نقض اختراع تلقی می‌گردد. با توجه به تعریفی که از نقض اختراع و ادعای فرآیند صورت گرفت، اینک می‌توان نقض مشترک فرآیندهای اختراعی را نیز تبیین نمود؛ نقض مشترک این نوع ادعاها، دائرمدار تعدد اشخاص دخیل در نقض اختراع است؛ بر این اساس هرگاه تعداد افراد دخیل در نقض، بیش از یک شخص باشد، مفهوم نقض مشترک تحقق می‌یابد. بنابراین، بهره‌برداری غیرمجاز از اختراعاتی که نقض آنها منوط به اقدام بیش از یک نفر است، نقض مشترک^۱ یا تقسیم‌شده^۲ نامیده می‌شود. (Lemley et al, op.cit:255) برای مثال، چنانچه فرآیند ثبت‌شده‌ای مشتمل بر مراحل متعدد بوده و هریک از این مراحل، توسط اشخاص مختلف اجرا گردد تا در نهایت فرآیند مزبور نقض شود، مفهوم نقض مشترک اختراع محقق می‌گردد. در فقه نیز اشتراک در خطا مورد بررسی قرار گرفته است؛ مثال‌هایی در کتب فقهی برای اشتراک در خطا آورده شده، عموماً ناظر بر فرض انتساب عرفی ورود زیان به بیش از یک عامل می‌باشد. برای نمونه، جایی که دو نفر مشترکاً شمشیری را بر سر کسی فرود آورده (اتلاف) یا چاهی را حفر نموده و دیگری به سبب سقوط در آن آسیب می‌بیند (تسبیب)، ضمان به طور مشترک بر عهده‌ی هر دو نفر خواهد بود. (نجفی، ۱۳۷۳، ج ۳۷: ۵۷، مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۴۴۴، تبریزی، ۱۴۲۸: ۱۱۱)

بدیهی است در این مثال‌ها که از نوع تعدد اسباب عرضی می‌باشند، هر یک از دو سبب، در عملیات اجرایی فعل زیانبار دخالت دارند و به همین دلیل، هر دو مسئولند اما در نقض مشترک اختراع فرآیند، تنها فردی که آخرین مرحله از مراحل اختراع را انجام می‌دهد، نقش مستقیمی در نقض اختراع ایفا می‌کند و سایرین، حسب ادعای اختراع، عمل مشروعی را انجام می‌دهند. بنابراین، حکم اشتراک در ضمان از منظر فقه، محدود به تعدد اسباب عرضی است و در فرض وجود تعدد اسباب طولی، طبق نظر مشهور فقها، سبب مقدم در تأثیر مسئول خواهد بود و اشتراک در ضمان پدید نمی‌آید. (شهید ثانی، ۱۹۹۲ م، ج ۱: ۱۶۶، محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۴۱-۲۴۰، رشتی، ۱۳۸۹: ۱-۴۰)

1- Joint Infringement.

2- divided infringement.

در حقوق مدنی ایران، نقض مشترک به این معنا وجود ندارد؛ هرچند ظاهر بند ب ماده ۱۵ قانون مصوب ۱۳۸۶، ممکن است توهم وجود چنین قاعده‌ای را در حقوق ایران شکل دهد، اما رویه قضایی در ایران، هنوز مجال تصمیم در این زمینه را نیافته و نویسندگان نیز اشاره‌ای به آن نداشته‌اند.

با این همه، ممکن است ادعا شود که ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب^۱ ۱۳۹۲ راجع به شرکت در جرم، نقض مشترک اختراع فرآیند را نیز شامل می‌شود؛ به این ظاهر نمی‌توان اعتماد کرد، زیرا مطابق این ماده، شرط تحقق شرکت در جرم، شرکت هر یک از افراد در تحقق رکن مادی و عملیات اجرائی جرم می‌باشد، در حالی که در نقض اختراع فرآیند، فقط شخص نهایی، عملیات اجرایی نقض را انجام می‌دهد.

۳-۱ مفهوم و قلمرو قاعده شخص واحد

اختراع ممکن است از اجزا و مراحل مختلفی تشکیل شده باشد. برای مثال بسیاری از اختراعات فرآورده، واجد چندین قطعه بوده یا اختراعات فرآیند از مراحل متعددی برخوردارند. نقض چنین اختراعاتی مستلزم اجرای تمام اجزا و مراحل مزبور است.^۲ این حکم منطقی به نظر می‌رسد زیرا تا قبل از اجرای تمام عناصر یا مراحل، هیچ تجاوزی به ادعاهای قانونی اختراع وارد نیامده است.

حال ممکن است این سوال طرح شود که آیا تحقق نقض در این اختراعات، مستلزم اجرای تمام عناصر و مراحل توسط «یک شخص» می‌باشد؟ طبق قاعده شخص واحد، پاسخ به این پرسش در خصوص اختراعات فرآیند، مثبت است. قاعده

۱- ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌کند: «هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرائی جرمی مشارکت کند...»

۲- این مسأله منتهی به وضع قاعده «تمام عناصر یا تمام قیود» در حقوق اختراعات آمریکا شده است. برخی از محققین نیز با استناد به همین قاعده معتقدند که قاعده تمام عناصر و قاعده شخص واحد با یکدیگر همپوشانی دارند و اعمال یکی مستلزم اعمال دیگری است. رک:

Joshua P. Larsen, Seminar Article, Liability for Divided Performance of Process Claims After BMC Resources, Inc. v. Paymentech, L.P., 19 DEPAUL J. ART TECH. & INTELL. PROP. L., 2008, pp.50-51.

شخص واحد^۱، اصلی بنیادین در حقوق اختراعات آمریکا است که بیش از دو قرن سابقه دارد. به موجب این قاعده که صرفاً در خصوص اختراعات فرآیند به کار می‌رود (Moore, op.cit.:838)، نقض مستقیم اختراع فرآیند مستلزم اجرای هریک از مراحل آن می‌باشد. (Royer v. Coupe, 146 U.S. 524, 530). این قاعده نه تنها در طول زمان بدون تغییر باقی مانده، (Warner (1892)) بلکه دادگاه فدرال، احراز نقض مستقیم را منوط به اجرای تمام مراحل فرآیند توسط «شخص واحد» دانسته و ضمن توسعه آن، تحقق نقض را در این وضعیت، منوط به اجرای هریک از مراحل فرآیند ثبت شده توسط شخص واحد نموده است. (BMC Res., Inc. v. Paymentech, L.P., 498 F.3d 1373, 1380 (Fed. Cir 2007)) بنابراین، قاعده شخص واحد عبارت است از قاعده‌ای که به موجب آن، تحقق نقض مستقیم اختراع فرآیند در حقوق آمریکا، منوط به اجرای تمام مراحل آن توسط یک شخص می‌گردد.

۲- نقض مشترک اختراعات فرآیند در ایران

طبق ماده ۱۵ قانون سال ۱۳۸۶ ایران، استفاده از فرآیند اختراعی حق انحصاری صاحب آن است و بنابراین استفاده بدون اجازه از فرآیند متعلق به دیگری، نقض فرآیند محسوب می‌شود. در این مورد هم بدیهی است که چنانچه شخص واحدی تمام مراحل یک فرآیند ثبت شده را اجرا کند، عنوان استفاده محقق شده و همان فرد ناقض محسوب خواهد شد، اما چنانچه مراحل مختلف فرآیند توسط افراد متعدد به مرحله‌ی اجرا برسد، طبق نظام حقوقی ایران چه شخص یا اشخاصی مسئولیت نقض فرآیند را بر عهده خواهد داشت؟ در حقوق اختراعات ایران، به تصریح قاعده‌ای مشابه قاعده شخص واحد در حقوق آمریکا وجود ندارد و همین امر ممکن است موجب شود تا ادعا کنیم در حقوق ایران چالشی در این خصوص وجود ندارد.

1-Single Entity Rule.

با این همه، به نظر نمی‌رسد این مساله در ایران به سادگی قابل حل باشد، چه آنکه در ماده ۱۵ صرفاً به استفاده از فرآیند تصریح شده و مصادیق آن روشن نیست. بر این اساس می‌توان این پرسش را طرح نمود آیا برای مثال کسی که دو مرحله از پنج مرحله‌ی یک فرآیند ثبت‌شده را اجرا کرده نیز از فرآیند استفاده کرده است؟ یا آنکه مفهوم استفاده از فرآیند زمانی محقق می‌گردد که یک شخص تمام مراحل فرآیند را اجرا کند؟

تردید می‌نماید که مانند حقوق آمریکا، در ایران نیز نقض فرآیند اختراعی، منوط به اجرای تمام مراحل آن است و تا قبل از اجرای کامل تمام مراحل فرآیند، اساساً نقض حق محقق نیست. همچنین اگر یک شخص تمام مراحل فرآیند ثبت‌شده‌ای را اجرا کند، چنین شخصی ناقض مستقیم اختراع تلقی شده و تردیدی در بروز مسئولیت وجود ندارد، زیرا چنین شخصی طبیعتاً مشمول ماده ۶۰ قانون سال ۱۳۸۶ و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی قرار می‌گیرد.

پرسش اساسی این است که چنانچه فرآیند ثبت‌شده‌ای در ایران واجد چند مرحله باشد و شخصی مراحل اولیه‌ی آن را اجرا کند و باقیمانده‌ی مراحل توسط شخص دیگر انجام شود، آیا اساساً می‌توان قائل به تحقق نقض فرآیند بر اساس ماده ۱۵ شد؟ و با فرض تحقق نقض، چه کسی ناقض بوده و مسئول می‌باشد؟

به نظر می‌رسد تحقق مفهوم استفاده از فرآیند در چنین فرضی تا قبل از اجرای مرحله‌ی پایانی فرآیند منتفی است و بنابراین، اجراکنندگان مراحل اولیه‌ی فرآیند ناقض تلقی نمی‌شوند، اما به محض اجرای مرحله‌ی نهایی فرآیند ثبت‌شده، مفهوم استفاده از فرآیند محقق شده و طبیعتاً شخصی که مرحله‌ی نهایی را اجرا می‌کند، وفق ماده ۳۳۲ قانون مدنی، مباشر نقض فرآیند بوده و ناقض حق اختراع فرآیند ثبت‌شده محسوب می‌گردد. با این همه، حکم اخیر در صورتی منصفانه به نظر می‌رسد که اجراکننده‌ی مرحله‌ی پایانی فرآیند، عالم به وجود اختراع ثبت‌شده باشد. در غیر این صورت سبب اقوی از مباشر تلقی شده و اجراکننده‌ی مراحل پیشین مسئولیت خواهد داشت. چراکه طبق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹، اصل کلی در حقوق ایران این است که شخص در صورت تقصیر مسئولیت

خواهد داشت. البته چنانچه نقض اختراع را در حکم تلف مال بدانیم^۱، ماده ۳۲۸ قانون مدنی در خصوص اتلاف مال غیر حاکم بوده و در این صورت حکم به مسئولیت و جبران خسارت توسط اجراکننده‌ی مرحله‌ی پایانی فرآیند، مستلزم اثبات تقصیر وی نیست.

با عنایت به اینکه در حقوق ایران قاعده‌ای چالش برانگیز مانند قاعده شخص واحد ملاحظه نمی‌شود، به نظر می‌رسد نظام حقوقی ایران مسیر آسان‌تری را برای حل و فصل مناقشات ناشی از نقض مشترک اختراعات فرآیند در پیش‌رو دارد. بر همین اساس می‌توان ادعا کرد که مقررات ایران در این زمینه بر مقررات آمریکا ترجیح دارد.

۲-۱- نقض اختراع؛ اتلاف مال غیر

تعیین ماهیت نقض اختراع، نقش مهمی در تبیین مسئولیت ناشی از آن دارد؛ چنانچه نقض اختراع، اتلاف مال دیگری قلمداد گردد، صرف انتساب نقض به شخص، بدون نیاز به اثبات علم او به اختراع ثبت‌شده، مسئولیت مدنی شخص را به دنبال خواهد داشت. در مقابل، اگر نقض اختراع، تسبیب در ورود خسارت در نظر آید، ناقض در صورتی واجد مسئولیت خواهد بود که علم او به وجود اختراع ثبت‌شده احراز گردد. به باور نگارنده، نقض اختراع، اتلاف آن محسوب شده و مشمول مقررات اتلاف مال می‌باشد. به منظور تحلیل دقیق این امر، ابتدا باید مفهوم و قلمرو قاعده اتلاف در فقه بررسی شود و سپس امکان تطبیق آن با نقض اختراع به عنوان یکی از اموال فکری مورد مطالعه قرار گیرد.

۲-۲- قاعده اتلاف در فقه

مطابق قاعده اتلاف (من اتلف مال الغیر فهو له ضامن) در فقه، هر کس

۱- تحقق عنوان اتلاف نسبت به نقض اختراع توسط برخی نویسندگان با استناد به ادله قانونی و فقهی نیز مورد اشاره واقع شده است. رک: میرقاسم جعفرزاده، محمدرضا قاضی‌زاده، مسئولیت مدنی نقض حق اختراع، مسئولیتی تقصیرمحور یا مطلق؟، مجله تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه شماره ۱۳، ۱۳۹۲، صص ۳۳۳-۳۴۰؛ محسن صادقی، حمایت از ابداعات دارویی و الحاق به سازمان تجارت جهانی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۵۷۷.

مال دیگری را تلف کند، ضامن آن است (مراغی، پیشین: ۴۳۴، بجنوردی، ۱۴۲۴، ج ۲: ۲۵، مصطفوی، ۱۴۲۱: ۲۰) و به موجب آراء فقها، علم و قصد تالف، اثری در ضمان او ندارد. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۱۹۳، مراغی، پیشین: ۴۳۴) به رغم آنکه برخی فقها قائل به روایی بودن این قاعده‌اند با توجه به رأی اکثریت ایشان، به نظر می‌رسد قاعده اتلاف اصطیادی می‌باشد. بر همین اساس بررسی مفردات قاعده، در تبیین آن مؤثر خواهد بود. در این بخش، مفهوم و قلمرو دو عنوان اتلاف و مال که مرتبط با بحث می‌باشند، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۲-۱-۲ اتلاف

اتلاف از ماده «تلف» به معنای نابود شدن و از بین رفتن است. (فراهیدی، بی تا: ۸، ۱۲۰، ابن عباد: ۱۴۱۴، ۹، ۴۳۵)

اتلاف از باب افعال و فعل آن «أُتلف» است و اضافه همزه به آن برای متعدی کردن است. اهل لغت، اتلاف را به از بین بردن از روی اسراف معنا کرده‌اند. (فراهیدی، بی تا: ۸، ۱۲۰)

معنای اصطلاحی اتلاف در کلمات فقها اعم از اتلاف به معنای لغوی به کار رفته است. از این رو در اصطلاح فقهی، غذا خوردن اتلاف محسوب می‌شود ولی اهل لغت به آن اتلاف نمی‌گویند؛ چون غذا خوردن، از بین بردن طعام از روی اسراف نیست.^۱

اتلاف در لسان فقها واجد دو قسم است؛ حقیقی و حکمی؛ اتلاف حقیقی یعنی اینکه شخصی، عین مال دیگری را از بین ببرد، به گونه‌ای که دیگر قابل انتفاع و استفاده نباشد، مانند سوزاندن لباس، ویران کردن خانه و... اما در اتلاف حکمی، خود مال وجود دارد و از بین نرفته، ولی ارزش و مالیت آن از بین می‌رود، مثل اینکه یک یا چند قالب یخ را در تابستان از کسی غصب کنند و سال بعد، بدون کم و کاست، همان را در زمستان به او تحویل دهند که در این مورد عین مال ثابت مانده، اما ارزش آن از بین رفته است. (شهید ثانی، پیشین، ج ۳: ۵۳۶، نجفی، پیشین، ج ۲۲: ۲۳۰)

۱- مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی، فقه اهل بیت علیهم السلام، ج ۵۰، ص ۱۹۲.

بسیاری از فقها قاعده اتلاف را ویژه اتلاف حقیقی پنداشته و اتلاف حکمی را داخل در قاعده ندانسته اند. (بجنوردی، پیشین: ۲۰، لطفی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۸۴) در نقد این نظریه می‌توان گفت: درست است که مال به طور حقیقی نابود نشده، ولی مالی که از قیمت افتاده حکما و مجازا نابود شده است (محقق داماد، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۱۱).

به نظر می‌رسد دیدگاه اخیر منطقی است زیرا هدف از وضع قاعده اتلاف جبران ضرری است که بر صاحب مال وارد شده و در تلف حکمی نیز ورود ضرر محقق است. نقض اختراع با توجه به تعریف آن، اتلاف حکمی به نظر می‌آید زیرا بدون آنکه اصل حق فکری زائل و نابود گردد، سلطنت صاحب اختراع بر حق فکری زائل شده و دست کم او نسبت به منافع حاصل از بخش نقض شده، دچار زیان شده است.

۲-۲-۲ مال

در لغت، مال به چیزی که دارای ارزش مبادله و قابل استفاده و تملک باشد، معنا شده است. (لنگرودی، ۱۳۸۷: ۵۹۵)

فقها در تعریف مال به اقوال گوناگون سخن گفته و هریک به اعتباری، آن را مورد تعریف قرار داده‌اند؛ عده‌ای معتقدند، در عرف، مال بر چیزی اطلاق می‌شود که انسان‌ها به آن تمایل داشته و نگهداری از آن برای استفاده به وقت نیاز، لازم شمرده می‌شود. در نظر ایشان مال در اصطلاح چیزی است که به علت وجود منافع واقعی یا اعتباری در آن، مورد رغبت مردم بوده، به گونه‌ای که حاضر به پرداخت عوض در ازاء آن می‌باشند (خویی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۳-۴)

برخی فقهای اهل سنت، در تعریف مال، به ارزش مبادله‌ای آن توجه داشته و معتقدند که مال چیزی است که مردم برای آن ارزش مبادله‌ای قائل بوده و اتلاف آن را موجب ضمان می‌دانند. (سیوطی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۲۲۱)

برخی فقها نیز دو عامل «احتیاج مردم در امور دنیوی یا اخروی به مال» و «عدم امکان دسترسی به آن بدون تلاش» را ملاک‌های تعریف مال معرفی می‌کنند. (ایروانی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۶۵)

مستنبط از تعاریف فوق، مختصات چیزی که مال نامیده می‌شود عبارت

است از: قابلیت تملک و اختصاص، موردنیاز بودن، تمایل مردم به آن و رغبت به پرداخت عوض در ازاء دریافت آن، ارزشمندی اقتصادی، توقف حصول آن بر تلاش و کوشش.

اختراع واجد تمام این مختصات به نظر می‌آید و فقهای موافق مالیت حقوق فکری از جمله حق اختراع نیز در برخی موارد با استناد به ارزش اقتصادی چنین حقوقی در عرف و ملکیت تکوینی، (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۴: ۵۲۷ و ج ۲۴: ۲۳۴) مالیت و ملکیت را نسبت به آن ثابت دانسته‌اند. (مکارم شیرازی، به نقل از آیتی، ۱۳۷۵: ۲۱) وانگهی، تردیدی نیست که مردم نسبت به فناوری موجود در اختراعات احساس نیاز نموده و حاضرند برای دریافت آن عوض پرداخت کنند. در عمل نیز هزینه‌های مختلفی که مردم برای رفع حوایج خود انجام می‌دهند، به منظور دستیابی به فناوری و فکر موجود در وسایل و ابزارهایی است که خریداری می‌نمایند و نفس آن ابزار و کالاها در نظر عرف فاقد ارزش می‌باشد. برای مثال، مالیت یک رایانه به قدرت پردازش آن بستگی دارد و چنانچه رایانه‌ای فاقد چنین قابلیت باشد، در نظر مردم ارزش مالی ندارد. علاوه بر این، اختصاص حق اختراع به مخترع، به سبب عملی است که مخترع انجام داده و با توجه به آیات و روایات متعدد^۱ که احراز مالکیت خصوصی را متوقف بر تلاش و سعی انسان می‌دانند، حق اختراع به مخترع اختصاص می‌یابد چراکه علما و فقها می‌گویند: چون انسان مالک (صاحب اختیار) خود است، در نتیجه مالک کار و فعالیت خود هم هست، بدینسان وقتی انسان کارش را با ماده درآمیزد، آن را به خود اختصاص داده و مالکش می‌شود. (به نقل از پیلوار، ۱۳۹۰: ۷۵)

بنابراین، در مالیت اختراع نمی‌توان تردید نمود اما آیا اطلاق قاعده اتلاف هر نوع مالی اعم از اعیان و منافع را شامل می‌شود یا تنها نسبت به اعیان جریان دارد؟ بنابر دیدگاه برخی از بزرگان فقه همانند صاحب جواهر، مباشرت در اتلاف موجب ضمان است، چه اینکه آنچه تلف شده است، عین باشد - مثل حیوان کشته شده یا لباس پاره شده - یا منفعت باشد - مثل سکونت منزل. (نجفی، پیشین، ج

۱- از جمله خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: « و ان لیسَ لِلانسانِ الا ما سَعی». سوره‌ی نجم، آیه‌ی ۳۹. برای انسان چیزی جز نتیجه‌ی تلاش و کوشش او باقی نمی‌ماند.

۳۷: ۴۶) شهید ثانی نیز در کتاب غصب، ضمان غاصب نسبت به منافع مال مغضوب را بلا اشکال می‌دانند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج: ۱۴۵۱۲) همچنین علامه حلی و محقق ثانی نیز بر ضمان منافع تصریح دارند. (محقق ثانی، ۱۴۱۰، ج ۶: ۲۱۷) ابن قدامه از فقهای اهل سنت نیز در این رابطه می‌گوید: «تلف یک قطعه زمین به آن است که مثلا دیوار آن ویران شود، آب بر آن رها گردد، خاک آن برداشته شود، سنگ در آن انداخته شود یا نقصی در آن با کاشتن نهال یا ساختمان سازی ایجاد گردد. در تمام این موارد، شخص تلف کننده ضامن است و در این باره هیچ گونه اختلافی میان دانشمندان و عموم اهل مذهب نمی‌باشد.» (ابن قدامه، ۱۴۰۵، ج ۵: ۲۴۲)

در خصوص ضمان منافع، مشهور فقها آن را شامل منافع مستوفات (مصطفوی، پیشین: ۱۷۵ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۲۴۱، ایروانی، ۱۴۱۸ ج ۲: ۱۴۳) و غیرمستوفات می‌دانند. (خویی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۱۳۶، غروی نائینی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۵۱۷)

بنابراین، اگر کسی منفعتی را تلف کند، همانند آن است که عینی را تلف نموده باشد و از این حیث، مباشرت در اتلاف، چه در عین یا منفعت، مستلزم مسئولیت مدنی است که باید زیان وارده جبران گردد. پس هم اتلاف عین و هم اتلاف منفعت، هر دو، مدلول قاعده اتلاف است و بر اساس آن، می‌توان نسبت به جبران خسارات وارده در قبال اتلاف عین و منفعت حکم نمود. حتی اگر اختراع را عین تلقی نموده و آن را منفعت و نتیجه‌ی کار انسان بدانیم، باز هم در شمول قاعده‌ی اتلاف بر آن نمی‌توان تردید کرد.

ممکن است ایراد شود که این قاعده فقط منافع حال و موجود را شامل شده و منافع آتی را در بر نمی‌گیرد و چون منفعت ناشی از اختراع، موجود نیست، پس نقض آن، مشمول قاعده اتلاف نخواهد بود. در فقه، هر چند برخی قائل به ضمان منافع انسان آزاد نیستند اما عده‌ای نیز ضمان نسبت به منافع با استناد به قاعده علی‌الید پذیرفته‌اند. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵، ج: ۱۲۲۱) قول صاحب جواهر در این زمینه صریح است و ایشان عمل انسان آزاد را حتی پیش از معاوضه و فعلیت نیز واجد ارزش مالی تلقی نموده‌اند. (نجفی، پیشین، ج ۳۷: ۳۸) عده‌ای

معاصر نیز اتلاف منافع را حتی اگر در مورد حر کسوب باشد، داخل در ضمان دانسته‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸، ج ۲: ۱۳۶)

بنابراین، این نتیجه قابل تأیید است که در نقض اختراع نیز ناقض با نقض اختراع، صاحب آن را از منافع ممکن‌الحصول آتی محروم نموده و به نوعی این منافع را تفویت کرده است و لذا عمل وی تحت شمول قاعده اتلاف و ماده ۳۲۸ قانون مدنی قرار می‌گیرد^۱.

در نهایت می‌توان گفت نقض اختراع در حقوق ایران مشمول قاعده اتلاف قرار گرفته و ماده ۳۲۸ قانون مدنی بر آن حکومت می‌کند.

از نظر فقها، در مباشرت، علت تلف، مستقیماً توسط مباشر ایجاد می‌شود. (شهید ثانی، ۱۹۹۲، ج ۷: ۳۰، مراغی، پیشین، ۴۳۵) با توجه به اینکه نقض فرآیند مستلزم استفاده از آن مطابق ادعانامه‌ی مندرج در گواهینامه‌ی ثبت اختراع، می‌باشد، بنابراین، در فرض تعدد عوامل دخیل در نقض فرآیند، مباشر نقض کسی است که عامل اجراکننده‌ی مرحله‌ی منتج به استفاده از فرآیند تشخیص داده می‌شود. چنین شخصی حسب فرآیند ثبت‌شده، می‌تواند آخرین نفر یا فرد دیگری باشد. برای مثال در ادعای شماره‌ی ۱ فرآیند ثبت‌شده با عنوان «کاهش نشر آمونیاک تا حد صفر در فرآیند تولید اوره و دستگاه مربوطه» و به شماره‌ی ۱۳۹۱۵۰۱۴۰۰۰۳۰۰۲۱۹ در اداره‌ی ثبت اختراع آمده است «روشی جهت تهیه اوره شامل: مورد واکنش قرار دادن آمونیاک و کربن دی‌اکسید، تحت شرایط اوره‌سازی، تا یک محلول اوره‌ی آبی به وجود آید؛ متراکم‌سازی محلول مذکور تا یک اوره‌ی متراکم بوجود آید. روش مذکور شامل تهیه یک جریان گازی شامل گاز هیدروژن و مورد احتراق قرار دادن جریان گازی مذکور تحت نفوذ اکسیژن، همراه با گاز حاوی آمونیاک حاصله از تولید اوره می‌باشد...»

در این مثال، چنانچه فرد «الف» صرفاً مرحله‌ی نخست یعنی مورد واکنش قرار دادن آمونیاک و ... را انجام دهد، فرآیند ثبت‌شده نقض نگشته و بر این اساس

۱- ماده ۳۲۸ قانون مدنی اشعار می‌دارد: «هرکس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از این که از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از این که عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است.»

فرد مذکور مسئولیتی ندارد اما اگر فرد «ب» با انجام مرحله‌ی دوم، فرآیند ثبت شده را مورد استفاده قرار دهد، همو ناقض فرآیند محسوب شده و مباشر نقض قلمداد خواهد شد، زیرا تا پیش از عمل وی، امور سیر طبیعی خود را طی می‌نموده و نقض فرآیند محقق نشده بود. این نتیجه‌گیری با نظر برخی از فقها نیز انطباق دارد؛ محقق رشتی در باب مسئولیت مباشر در فرض اجتماع با سبب، مسئولیت ناشی از تسبیب را متوقف بر حدوث تلف متعاقب سبب می‌داند و به درستی بر این باور است که تا قبل از وقوع تلف توسط مباشر، سبب فاقد مسئولیت می‌باشد. (رشتی، پیشین: ۳۷) فردی که صرفاً زمینه‌ی تلف را ایجاد نموده، در اینجا یعنی فرد «الف»، سبب محسوب شده و مسئولیتی نخواهد داشت. در منابع فقهی برای سبب معانی گوناگون ارائه کرده‌اند؛ از منظر فقها، سبب، عاملی است که به رغم اثر در وقوع علت مستقیم تلف، با فقد آن، تلف حاصل نمی‌شود. به عبارت دیگر، عاملی که با تحقق آن، تلف با علت دیگر واقع می‌شود، هرچند، وجودش مستلزم وقوع تلف نیست اما نبود آن با عدم تلف ملازمه دارد. (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۶۵۱، همو، ج ۲: ۲۲۶، شهید اول، ۱۴۱۴، ج ۳: ۱۰۷، بجنوردی، پیشین: ۳۱) بر این مبنا، مراد از تسبیب، تمهید زمینه‌های تلف و سبب‌سازی آن است. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۲۰۷)

بنابراین، تردیدی در شمول قاعدی ائتلاف بر نقض فرآیند اختراعی نیست و در حقوق ایران می‌توان عمل کسی را که فرآیند ثبت‌شده‌ای را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد، مشمول ماده ۳۳۲ قانون مدنی قرار داد. در حقوق آمریکا، چالش فراوانی راجع به احراز نقض مستقیم فرآیند اختراعی در فرض اشتراک در نقض شکل گرفته و دادگاه‌ها معیارهای متفاوتی را بدین منظور اعمال کرده‌اند که در ادامه مورد بررسی قرار گرفته می‌شوند.

۳- شیوه و معیار احراز نقض مشترک فرآیند در رویه قضایی آمریکا

دادگاه‌های آمریکایی در مواجهه‌ی ابتدایی با نقض مشترک، اصولاً در جایی که یک نفر، تنها بخشی از فرآیند اختراع ثبت‌شده را انجام داده و شخص دیگر، بخش باقیمانده را به مرحله اجرا رسانده، نقض مستقیم را مورد حکم قرار نمی‌دادند. و در فرض

مشارکت اشخاص متعدد در نقض اختراع، کنترل یکی بر دیگری را شرط می‌دانستند. MobilOil Corp. v. Filtrol Corp., 501 F.2d 282, 291-92 (9th Cir. 1974) برای مثال، در پرونده فرام‌سان، چون خواننده، تنها بخشی از مراحل فرآیند تولید کلیشه‌های عکاسی را انجام داده بود و باقیمانده‌ی بخش‌ها توسط مشتریان وی صورت گرفت، دادگاه فدرال، ضمن عدم احراز نقض مستقیم اختراع، حکم به عدم مسئولیت خواننده نمود.^۱

شناسایی نقض مستقیم در این وضعیت، امری استثنائی تلقی شده و تنها در فرض احراز وجود نمایندگی به دست می‌آید. به همین دلیل، تنها استثنای این قاعده در جایی است که نمایندگی^۲ میان ناقض اصلی و سایرین احراز گردد. (Juvon Abn, 2009:153)

۲-۲ شناسایی مسئولیت از طریق اعمال نظریه‌ی نمایندگی

دادگاه‌های آمریکایی به رغم وجود قاعده شخص واحد، در فرض احراز رابطه‌ی نمایندگی و تبانی اشخاص در نقض فرآیند، مسئولیت ناشی از نقض مستقیم را به رسمیت شناخته‌اند. برای مثال، در پرونده‌ی کراول^۳ دادگاه، در جایی که شخص، دیگری را به منظور نقض اختراع استخدام کرده بود، نقض مستقیم اختراعات را محقق دانست. (Crowell v. Baker Oil Tools 143 F.2d 1003 (9th Cir. 1944)). بر این اساس، شخص نمی‌تواند با اجرای بخشی از فرآیند ثبت‌شده و محول نمودن اجرای باقیمانده‌ی مراحل به نماینده (در مفهوم عام که شامل کارگر، اجیر، پیمانکار مستقل و ... می‌شود) از مسئولیت نقض مستقیم فرآیند فرار کند. در اینجا، چون

1- Fromson v. Advance Offset Plate, Inc., 720 F.2d 1565 (Fed. Cir. 1985).

۲- شایان ذکر است که نمایندگی در کامن‌لا محدود به عقد وکالت نیست و قلمرو گسترده‌ای دارد. به طوری که شامل رابطه‌ی کارگر و کارفرما و روابط مشابه آن و همچنین اعمال مادی نیز می‌گردد. در این زمینه رک: مهسا مدنی، وکالت‌نوی (مطالعه تطبیقی در فقه، حقوق ایران و انگلیس)، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۲.

۳- پرونده کراول به عنوان منشا شناسایی نظریه نمایندگی در رویه قضایی قلمداد می‌شود. رک: Sriranga Veeraraghavan, Joint Infringement of Patent Claims: Advice for Patentees, 23 Santa Clara High Tech. L.J., 2012, p.214.

اصیل بر نماینده کنترل دارد، عمل نماینده به اصیل انتساب داده شده و گویی خود او مجموع فرآیند را نقض نموده است.

دادگاه‌های دیگر ضمن توسعه مفهوم نمایندگی (Veeraraghavan, op.cit:21) و حتی در جایی که شرط کنترل حاصل نبود، نقض مستقیم فرآیند را محرز تشخیص دادند. در پرونده‌ی موبایل، خوانده، تمام مراحل فرآیند جز مرحله‌ی پایانی را شخصاً اجرا نمود و اجرای مرحله‌ی اخیر را با هدف تحقق آن توسط مشتریان خود، به آنان واگذار کرد. دادگاه به رغم عدم وجود کنترل خوانده بر رفتار مشتریان، با استناد به نمایندگی ظاهری اعطایی او به ایشان و نیز علم خوانده به تحقق تکمیل فوری فرآیند توسط مشتریان، نقض مستقیم را احراز نمود. (Mobil Oil Corp.v.W.R.Grace & Co.,367 F. Supp.207 (D.Conn. 1973).)

در حقوق ایران، رابطه‌ی نمایندگی، گستره‌ی موجود در حقوق آمریکا را ندارد و بالطبع، شامل روابط کارگر و کارفرما یا اجیر و مستاجر و روابطی مانند اینها و نیز اعمال مادی مانند تکمیل و اجرای یک فرآیند ثبت‌شده نمی‌شود. وانگهی، مواردی که در حقوق آمریکا تحت عنوان نقض مشترک مورد بررسی قرار می‌گیرد، در حقوق ایران، ضمن حفظ همان عنوان، تحت مقررات اجتماع سبب و مباشر تحلیل می‌گردد.

حال می‌توان این پرسش را طرح نمود که اگر در نتیجه انباشت و ترکیب رفتار اشخاص متعدد در حقوق ایران، در نهایت فرآیند ثبت‌شده‌ای نقض گردد، مسئولیت با چه کسی است؟

در پاسخ به این پرسش باید فرضی را که اشخاص دخیل در نقض با هم رابطه‌ی کارگر و کارفرما یا اجیر و مستاجر دارند از فرضی که چنین افرادی فاقد چنین روابطی با هم هستند، تفکیک نمود.

اول) فرض عدم وجود رابطه‌ی کارگر و کارفرما یا اجیر و مستاجر^۱

با توجه به دایره مضیق روابط ناشی از نمایندگی در حقوق ایران^۲، بدیهی است که اگر اشخاص متعدد، ضمن تبانی با یکدیگر، اجرای مراحل متعدد یک فرآیند را بین خود تقسیم کنند، کسی که مرحله‌ی نهایی فرآیند را اجرا و در نتیجه، مباشرت در نقض می‌نماید، وفق ماده ۳۳۲ قانون مدنی، مسئول خواهد بود. شهرت قول به مسئولیت مباشر در فرض اجتماع با سبب میان فقها، چندان است که ادعای اجماع بر آن شده و تنها جهل، صغر، غرور و جنون و اختیار ... مباشر است که قوت فعل مباشر را از میان برداشته و مسئولیت را بر دوش سبب اقوی می‌گذارد. البته ناگفته پیداست که چنانچه، شخص مجری مرحله‌ی نهایی فرآیند را نیز در کنار سایر اشخاص، «سبب» غیرمجاز (عالم به وقوع نقض) نقض تلقی کنیم، به جای فرض «اجتماع سبب و مباشر» با «اجتماع اسباب» مواجه خواهیم بود که مستلزم نتیجه متفاوتی است، زیرا بر خلاف ماده ۳۳۲ قانون مدنی، در حقوق ایران

۱- شایان ذکر است که هرچند با تصویب قانون کار ۱۳۶۹، قلمرو موضوعی اجاره‌ی اشخاص محدود شده است اما از میان نرفته است؛ رابطه‌ی میان طرفین در صورتی مشمول مرات انون کار خواهد بود که کارگر در انجام موضوع قرارداد «تابع» کارفرما باشد. به همین سبب است که وجود مفهوم «تبعیت» شرط احراز رابطه‌ی کارگر و کارفرمایی شده است و در جایی که شخص ضمن تعهد به انجام کاری معین، از استقلال برخوردار می‌باشد، قضیه مشمول مقررات اجاره‌ی اشخاص و خدمات مقرر در قانون مدنی خواهد بود. برای نمونه، در جایی که سازمانی با هدف انجام پروژه‌های تحقیقاتی خدمت عده‌ای از محققان را اجاره می‌نماید و افراد اخیر بدون تبعیت از مؤسسه‌ی مذکور از نظر زمانی، مکانی، کمیت، کیفیت و ... پروژه را انجام می‌دهد، نمی‌توان مقررات قانون کار را بر چنین رابطه‌ای حاکم دانست. بنابراین، اگر در حین انجام پروژه‌ی مذکور، محققان اختراعی را نقض نمایند، نمی‌توان مؤسسه را مسئول چنین نقضی تلقی نمود. به منظور ملاحظه‌ی ملاک تمیز رابطه‌ی کارگر و کارفرما از مفاهیم مشابه رک: ناصر کاتوزیان، عقود معین (۱)، جلد ۱، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم، ۱۳۷۸، صص ۵۶۰-۶۱.

۲- مضیق بودن دامنه‌ی نمایندگی در حقوق ایران نافی فعالیت کارگر به حساب کارفرما مطابق قانون کار نیست زیرا کارگر به حساب کارفرما کار کرده و سود و زیان ناشی از فعالیت وی نیز به حساب کارفرما بر می‌گردد اما بر خلاف حقوق آمریکا که در هر صورت کارگر را نماینده‌ی کارفرما تلقی می‌کند، در حقوق ایران، چنانچه کارفرما صریحاً کارگر را از انجام برخی امور منع نماید اما کارگر حین انجام وظیفه یا به سبب آن، امور ممنوعه را مرتکب شود، نمی‌توان ادعا نمود که کارفرما مسئولیت دارد زیرا مطابق قسمت اخیر ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی، کارفرمای بی‌تقصیر مسئولیتی ندارد. به عبارت دیگر، کارگری که مخالف دستورات صریح کارفرما مبنی بر عدم ارتکاب خطا عمل می‌نماید، نماینده‌ی کارفرما محسوب نمی‌شود و به همین دلیل، کارفرما مسئول چنین اعمالی نیست.

فرض اجتماع اسباب، مشمول ملاک فقهی سبب مقدم در تاثیر بوده و با اعمال این ملاک، اشخاصی که مراحل قبل از مرحله‌ی پایانی را اجرا کرده‌اند، ضامن خواهند بود و چنانچه تمام عوامل قصد نقض فرآیند را داشته باشند، شرکت در جرم نقض اختراع محقق می‌گردد.^۱ زیرا در این فرض، طبق نظر فقها، ارتکاب رکن مادی نقض، به نحو عرضی منتسب به همه آنان بوده و حکم، مشمول اشتراک در ضامن خواهند بود. وفق ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در این صورت تمام اشخاص دخیل در نقض به عنوان ناقض مستقل محسوب شده و علاوه بر جبران خسارت صاحب اختراع، مجازات مقرر در ماده ۶۱ قانون ثبت اختراعات ... ۱۳۸۶ بر آنها تحمیل خواهد شد.^۲

بدیهی است طبق نظر مشهور فقها که در مقررات قانون نیز انعکاس یافته، در فرض احراز اشتراک در ضامن نیز بر خلاف حقوق آمریکا، تضامنی میان ناقضین مشترک شکل نگرفته و توزیع مسئولیت به نحو مساوی خواهد بود. این امر در ماده ۵۲۶ مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ناظر بر اجتماع سبب و مباشر، نیز مورد تصریح قرار گرفته است؛ «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند...»

حکم به تساوی مسئولیت در فرض اشتراک در خطا، بر گرفته از نظر مشهور فقها بوده و فقیهان نیز قائل به آن می‌باشند. (نجفی، پیشین: ج ۴۲: ۶۸)

۱- به موجب ماده ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود.

۲- بر اساس ماده ۶۱ هر شخصی که با علم و عمد مرتکب عملی شود که طبق مواد (۱۵)، (۲۸) و (۴۰) نقض حقوق به شمار آید یا طبق ماده (۴۷) عمل غیرقانونی تلقی شود، مجرم شناخته شده و علاوه بر جبران خسارت به پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا حبس تعزیری از نود و یک روز تا شش ماه یا هر دوی آنها محکوم می‌شود.

دوم) فرض وجود رابطه‌ی کارگر و کارفرما یا اجیر و مستاجر

در جایی که کارفرما شخصی را به منظور نقض اختراع یا امر دیگری استخدام کند و کارفرما ضمن اجرای بخشی از مراحل یک فرآیند ثبت‌شده، اجرا و تکمیل باقیمانده‌ی مراحل را به کارگر خود محول نماید، در صورت بروز نقض، مسئولیت با چه کسی است؟

بدیهی است اعمال قواعد ماده ۳۳۲ قانون در خصوص اجتماع سبب و مباشر، استنباط مسئولیت کارگر را به دنبال خواهد داشت مگر آنکه با عنایت به وضعیت ضعیف‌تر کارگر، کارفرما را سبب اقوی تلقی نموده و بار مسئولیت نقض اختراع را بر دوش وی تحمیل کرد. البته در فرض نخست با توجه به ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی در خصوص مسئولیت کارفرما ناشی از فعل کارگر، هرگاه بروز نقض اختراع در حین انجام وظیفه یا به سبب آن محرز شود، مسئولیت بر عهده‌ی کارفرما خواهد بود مگر آنکه عدم تقصیر خود را اثبات نماید که در این صورت، خود کارگر به عنوان مباشر نقض اختراع، مسئولیت خواهد داشت.

در فرض رابطه‌ی اجیر و مستاجر نیز بین اجیر و مستاجر رابطه‌ی نمایندگی شکل نمی‌گیرد و چنانچه اجیر با هماهنگی مستاجر، باقیمانده‌ی مراحل فرآیندی که بخشی از آن توسط مستاجر انجام شده را اجرا نموده و فرآیند مورد استفاده قرار گیرد، وفق ماده ۳۳۲ قانون مدنی، چون اجیر، مباشر نقض محسوب می‌شود، مسئولیت با اجیر خواهد بود مگر آنکه اقوی بودن رفتار مستاجر برای دادگاه محرز گردد.

حال، اگر نقض اختراع را در حکم ائتلاف منفعت بدانیم، با اعمال ماده ۳۳۲ قانون مدنی و در فرض جهل کارگر یا اجیر به وقوع نقض، دو حالت متصور است؛ ۱- تحمیل مسئولیت بر کارگر و اجیر مباشر نقض و تجویز رجوع متعاقب آنان به کارفرما یا مستاجر سبب نقض، مطابق قاعده فقهی غرور (المغرور یرجع الی من غره). ۲- اقوی تلقی نمودن سبب عالم به نقض (کارفرما و مستاجر) و تحمیل مسئولیت بر وی. فقها اصولاً حدوث غرور را موجب ضعف سببیت مباشر دانسته‌اند. در همین حالت می‌توان با استناد به ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی، از همان ابتدا کارفرما را مسئول تلقی نمود.

در مقابل، چنانچه نقض اختراع را در حکم اتلاف مال تلقی نکرده و در نتیجه آن را مشمول ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و مبتنی بر تقصیر بدانیم، در چنین فرضی اگر کارگر نیز جاهل به وجود فرآیند ثبت‌شده باشد، هیچ کس مسئولیتی نخواهد داشت. اما در همین حالت اگر کارفرما عالم به فرآیند ثبت‌شده باشد، مسبب مقصر قلمداد شده و مسئولیت بر وی تحمیل می‌گردد. البته این قسم از مسئولیت، ناشی از تقصیر شخصی کارفرما بوده و ناشی از فعل کارگر و در نتیجه مشمول مفاد ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی نخواهد بود. موارد اخیر در خصوص رابطه‌ی اجیر و مستاجر نیز تا حدی که با ماهیت و قواعد آن سازگاری دارد، قابل انطباق است.

با این همه، به نظر می‌رسد در هر دو فرض کارگر و کارفرما و اجیر و مستاجر، تحلیل دیگری را ارائه نمود. با این توضیح که ماده ۱۵ قانون ثبت اختراعات... ۱۳۸۶، استفاده از فرآیند را از حقوق انحصاری قلمداد کرده و ماده ۶۰ همان قانون نقض حقوق مندرج در این قانون را در معنای انجام بدون مجوز حقوق انحصاری صاحبان حق تعریف کرده است. بنابراین، استفاده بدون مجوز از فرآیند متعلق به دیگری نیز نقض حق به شمار می‌رود و ناقض کسی است که از فرآیند مزبور استفاده می‌کند.

استفاده در لغت به معنای فایده گرفتن و بهره‌جویی کردن، منتفع شدن، انتفاع بردن و فایده بردن... آمده است.^۱ قانون‌گذار نیز ظاهراً همین معنا را از این واژه در ماده ۱۵ اراده کرده و بهره‌جویی و بهره‌برداری از فرآیند را که البته مستلزم اجرای آن است، مختص صاحب اختراع دانسته است.

چنانچه استفاده مندرج در ماده ۱۵ قانون ثبت اختراعات... ۱۳۸۶ را حمل بر همین معنا نماییم، در فرضی که کارگر یا اجیر به دستور و خواست کارفرما یا مستاجر و در راستای منافع آنان عملی را مرتکب می‌شود که در نهایت منتهی به حصول انتفاع برای کارفرما یا مستاجر است، هرچند «اجرای» مادی فرآیند با مباشرت از سوی کارگر یا اجیر محقق می‌شود اما «استفاده» از فرآیند معطوف به

۱- محمد معین، فرهنگ فارسی، تهران، آذنا، کتاب راه نو، جلد ۱، ۱۳۸۱، ذیل واژه استفاده، ص ۱۴۴، علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه استفاده.

کارفرما و مستاجر است زیرا این دو به ویژه کارفرما، از عمل نقض منتفع شده و مفهوم استفاده از فرآیند در خصوص آنها صدق پیدا می‌کند. بنابراین، کارفرما و مستاجر مرتکب استفاده بدون مجوز از فرآیند شده و طبق ماده ۶۰ قانون ثبت اختراعات... ۱۳۸۶، ناقض فرآیند قلمداد می‌گردند. این تحلیل نه تنها مغایرتی با نص قانون ندارد، با اصول کلی حقوق اختراعات مبنی بر حمایت از صاحبان حق نیز مطابقت می‌نماید. چه آنکه کارفرمایان در قیاس با کارگران عموماً منبع اقتصادی اطمینان بخش تری برای جبران خسارت به حساب می‌آیند.

ملاحظه می‌شود، بر خلاف حقوق آمریکا که به منظور تحمیل مسئولیت ناشی از نقض مشترک فرآیندهای ثبت شده، به مقررات نمایندگی استناد جسته‌اند، در حقوق ایران این امر می‌تواند با توسل به تفسیر مفهوم «استفاده» مندرج در ماده ۱۵ قانون ثبت اختراعات... ۱۳۸۶ صورت گیرد، زیرا مقررات نمایندگی در حقوق ایران به تبع فقه امامیه، مانند حقوق آمریکا، واجد قلمرو وسیعی نیست.

با این همه، چنانچه «استفاده» مندرج در ماده ۱۵ را به معنای صرف اجرای مادی فرآیند تعبیر کنیم، در تمام فروض فوق، مستند به ماده ۳۳۲ قانون مدنی، کارگر و اجیر که مباشر نقض محسوب می‌شوند، مسئولیت خواهند داشت مگر آنکه شرایط اعمال ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ در خصوص کارفرما، محقق گردد.

۳-۳ معیار میزانی از رابطه:

هرچند، اعمال نظریه‌ی نمایندگی به منظور تشخیص نقض مستقیم مشترک کافی به نظر می‌رسد، اما چون همواره اثبات میزانی از کنترل در نمایندگی ضرورت داشته و این امر احراز نقض را دشوارتر می‌کند، برخی دادگاه‌ها سعی در تعدیل نظریه نمایندگی کرده و اثبات وجود میزانی از رابطه^۱ میان ناقضین مشترک را به منظور احراز نقض مستقیم کافی دانسته‌اند. به موجب این رویکرد تحقق نقض مستقیم و مسئولیت ناشی از آن در فرضی که اشخاص متعددی مراحل مختلف فرآیند ثبت شده را اجرا می‌کنند، منوط به اثبات شروط ذیل خواهد بود:

1- Some Connection Rule.

الف) اجرای تمام مراحل فرآیند ثبت‌شده؛ (چون تا قبل از اجرای تمام مراحل، اساساً نقضی محقق نمی‌شود).

ب) وجود ارتباط کافی بین خواننده دعوا و سایر اشخاص درگیر در نقض فرآیند یا اعمال کنترل از سوی وی بر اشخاص اخیر.

بر اساس شرط اخیر، وجود و اثبات هریک از معیارهای ارتباط یا کنترل به منظور تشخیص نقض و مسئولیت ناشی از آن علیه خواننده، کافی است. حال، در صورت احراز کنترل، تحمیل مسئولیت مبتنی بر نظریه نمایندگی شکل گرفته و در غیر این صورت، با احراز میزانی از رابطه (بدون وجود کنترل یکی بر دیگری) نیز تحمیل مسئولیت با مانع روبرو نخواهد بود.

نباید تصور نمود که این معیار هر نوع رابطه‌ای را در بر می‌گیرد و عاری از هر قید و بندی است؛ در پرونده‌ی دوین،^۱ دادگاه، اثبات «تبانی» یا «ارتباط مستقیم» میان افراد متعدد دخیل در نقض فرآیند را میزان رابطه‌ی مورد نظر اعلام کرد و بر همین اساس، ارتباط بین مجوزدهنده و مجوزگیرنده‌ی کپی‌رایت یا ارتباط میان فروشنده و خریدار را در این زمینه کافی تشخیص نداد. (Faroudja Labs., Inc. v. Dwin Elecs., Inc., No. 97-20010 SW, 1999 WL 111788, at *5 (N.D. Cal. Feb. 24, 1999))

در فقه، بر خلاف حقوق آمریکا، در احراز مسئولیت، بیش از توجه به شرایط ورود زیان، به خود زیان تأکید می‌شود (کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹، ج ۲: ۱۴۱، هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳، ج ۳: ۲۵۲، روحانی، ۱۴۱۲، ج ۱۹: ۱۱۴، خویی، ۱۴۱۲، ج ۳: ۲۶۱) و به نظر می‌رسد گفتمان فقهی در مواجهه با فرض نقض مشترک اختراع فرآیند، مسئولیت را متوجه سبب عرفی زیان که حسب مورد ممکن است شخص نهایی یا اشخاص پیشین او باشند، بدانند، بدون آنکه خود را به تکلف وا داشته و از طریق ملاک‌های چون اثبات رابطه، سعی در انتساب فعل و قصد زیانبار یکی به دیگری نماید. این اختلاف از آنجا ناشی می‌شود که اصولاً فقها، تقصیر را شرط مسئولیت نمی‌دانند.

۱- پرونده دوین (فاروجا)، نخستین پرونده‌ی متضمن اعمال معیار میزانی از کنترل در رویه قضایی آمریکا می‌باشد.

در حقوق ایران نیز نمی‌توان چنین وضعیتی را مشاهده نمود مگر آنکه شرایط قسمت اخیر ماده ۳۳۲ قانون مدنی در خصوص اقوی بودن سبب احراز شود. در فرض اخیر نیز به نظر می‌رسد که قانون‌گذار بروز ضرر را منتسب به سبب می‌داند نه آنکه فعل مباشر به سبب نیز تسری داده شود.

۳-۴ معیار مشارکت و اقدام مرکب:

در برخی موارد ممکن است نقض فرآیند ثبت‌شده، بدون وجود تبانی یا کنترل، در نتیجه‌ی هم‌افزایی دو یا چند شخص محقق گردد. در چنین مواردی که نه سوءنیتی وجود دارد و نه نمایندگی محرز است، آیا می‌توان نقض مشترک را محقق دانست؟ دادگاه فدرال آمریکا، در پرونده آن‌دمند و اظهارنظر قضایی مندرج در آن، در جایی که نقض اختراع نتیجه تجمیع اقدامات اشخاص متعدد بوده، به طور ضمنی دکتین نقض مشترک را تأیید کرده است. اختراع موضوع این پرونده روشی بود که متضمن ادعاهایی در خصوص این موارد می‌شد: ۱- ذخیره متن کتاب در رایانه، بررسی کتاب و بهترین فروشنده کتب؛ ۲- تهیه ابزاری برای مشتری به منظور بازبینی اطلاعات؛ ۳- دستور به رایانه جهت چاپ متن کتاب در پاسخ به انتخاب مشتری و ۴- تجمیع و صحافی صفحات کتاب با یک جلد.^۱

دادگاه اعلام کرد در جایی که نقض اختراع ناشی از مشارکت و تجمیع اقدامات اشخاص متعدد (بیشتر از یک شخص) است، چنین اشخاصی ناقضین مشترک تلقی شده و همگی به طور مشترک مسئولیت مشترک نقض اختراع را بر عهده خواهند داشت.^۲

اگرچه دادگاه فدرال، به جهت عدم پذیرش تفسیر ادعاهای اختراع، ناگزیر حکم بدوی راجع به نقض فرآیند را نیز نقض کرد اما اعلام کرد که معیار ارائه شده توسط دادگاه بخش در این پرونده صحیح است.^۳

1- On Demand Machine Corp. v. Ingram Industries, Inc 442 F.3d 1331 (Fed. Cir. 2006).

2- Ibid, at 1344-45.

3- Ibid, at 1335.

بر این اساس، می‌توان گفت دادگاه تجدیدنظر اختراعات آمریکا به معیار بسیار موسع‌تری از احراز نقض مشترک دست یافت. چنانچه تجمیع رفتار اشخاص دخیل در نقض منتهی به نقض فرآیند دیگری شود، صرف این تجمیع مسئولیت مشترک آنان را به دنبال خواهد داشت و این مساله منوط به احراز چیز دیگری مانند کنترل یکی بر دیگری یا تباری طرفین نیست. (Long, 2009:14) بنابراین به نظر می‌رسد اعتقاد کسانی که این رهیافت موسع را مرتبط با نظریه نمایندگی می‌دانند (Veeraraghavan, op.cit:229) موجه نیست، زیرا همانطور که گفته شد در اعمال نظریه نمایندگی به منظور انتساب رفتار اشخاص متعدد به شخص واحد است در حالی که معیار مشارکت و اقدام مرکب، فاقد چنین کاربردی است. بر این اساس، می‌توان گفت که رهیافت «مشارکت و اقدام مرکب»، در کنار نظریه‌ی «نمایندگی» و معیار «میزانی از رابطه»، قسم سوم از معیارهای موجود در رویه قضایی آمریکا می‌باشد که به منظور احراز نقض مستقیم مشترک راه یافته است. با این همه، این احتمال نیز وجود دارد که هم‌گام با برخی نویسندگان، معیار «مشارکت» را زیرمجموعه‌ی معیار «میزانی از رابطه» تعریف کرد با این توضیح که این رابطه فقط با تشخیص «مشارکت و اقدام مرکب» اشخاص احراز می‌گردد. (Ibid)

در حقوق ایران نمی‌توان چنین قاعده‌ای را جاری ساخت زیرا طبق ماده ۳۳۲ قانون مدنی، شخصی که با علم و عمد مرحله‌ی پایانی فرآیند را اجرا نموده یا در صورتی که نقض اختراع را در حکم اتلاف بدانیم، شخصی که حتی بدون علم و عمد مرحله پایانی را اجرا می‌نماید، مباشر نقض تلقی شده و همو مسئولیت خواهد داشت.

۵-۳ شکل‌گیری معیار جدید

تا اینجا سه معیاری را که در رویه قضایی آمریکا به منظور تشخیص نقض مستقیم مشترک مورد استفاده بوده، بررسی نمودیم. ملاحظه شد هریک از این معیارها با اختلافاتی همراه بودند. بنابراین، دادگاه فدرال، با اتخاذ تصمیمی جدید تلاش نمود تا در پرونده‌های بی‌ام سی و مانی آکشن، به تفسیر صحیحی از معیار نقض مستقیم مشترک دست یابد. در ادامه‌ی بحث، به ترتیب پرونده بی‌ام سی و مونی آکشن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۳-۱ معیار کنترل و هدایت

اختراع موضوع پرونده‌ی بی ام سی ناظر بر یک فرآیند پرداخت مالی و بانکی بود که چهار مرحله داشت و نقض آن مستلزم انجام تمام چهار مرحله مزبور بود. خواهان یعنی بی ام سی علیه خواننده‌ای که تنها بخشی (یک مرحله) از مراحل اختراع را انجام داده بود، طرح دعوای نقض اختراع کرد اما دادگاه بخش با استناد به بند الف ماده ۲۷۱ قانون اختراعات آمریکا حکم به برائت خواننده داد، زیرا به موجب بند الف ماده ۲۷۱ قانون مرقوم، نقض مستقیم اختراع در صورتی محقق می‌شود که تمام مراحل یک فرآیند ثبت‌شده توسط شخص واحد صورت پذیرد. دادگاه در این راستا به عدم انجام تمام مراحل توسط خواننده و نیز عدم ارتباط میان خواننده و سایر عوامل (کسانی که سه مرحله باقیمانده اختراع را انجام دادند)، استناد کرد.^۱ دادگاه بخش علاوه بر این، معیار موردنظر خود به منظور احراز نقض مشترک را ارائه داد و اعلام کرد که خواسته خواهان در صورتی اجابت خواهد شد که اثبات شود که اقدامات سایر اشخاصی که باقیمانده مراحل فرآیند اختراع را انجام داده‌اند تحت «هدایت یا کنترل» خواننده بوده است. در حقیقت از منظر دادگاه بخش احراز وجود کنترل یا هدایت موجب اثبات رابطه میان طرفین شده و بر همین مبنا نقض مستقیم محقق می‌گردد. به همین دلیل دادگاه در ادامه اظهار نمود که چون بین خواننده و سایر اشخاص عامل تحقق نقض ادعایی، هیچ میزانی از رابطه وجود نداشته، بنابراین، نقض مشترک و مسئولیت ناشی از آن نیز شکل نمی‌گیرد.^۲ به نظر می‌رسد معیار «کنترل یا هدایت» به همان معیار «نماینندگی» بازگشت دارد زیرا بر اساس معیار نمایندندگی پرونده‌ی کراول^۳، شخصی که هدایت شده یا تحت کنترل قرار می‌گیرد، نماینده‌ی شخص کنترل یا هدایت‌کننده می‌باشد.

1- BMC Resources, Inc. v. Paymentech, L.P., 2006 WL 306289, at *5 (N.D.Tex. Feb. 9, 2006).

2- Ibid.

۳- همانطور که پیشتر گفته شد، پرونده‌ی کراول، به عنوان نقطه‌ی آغاز اعمال نظریه نمایندندگی در زمینه احراز نقض مستقیم مشترک می‌باشد. رک:

Crowell v. Bak- er Oil Tools 143 F.2d 1003 (9th Cir. 1944).

در حقوق ایران، جز در برخی موارد مصرح^۱، صرف کنترل یا هدایت شخص از سوی شخص دیگر، موجب نمی‌شود تا نتیجه‌ی اعمال یکی بر دیگری تحمیل شود. این مساله ناشی از دامنه‌ی محدودتر رابطه‌ی نمایندگی در حقوق ایران است. بنابراین، حتی در جایی که وجود کنترل یا هدایت بر کسی که مرحله‌ی پایانی فرآیندی را که مراحل قبلی آن توسط شخص دیگر اجرا شده، به مرحله‌ی اجرا می‌رساند، احراز گردد، چون مجری مرحله‌ی پایانی، مباشر نقض تلقی می‌شود، وفق ماده ۶۰ قانون ثبت اختراعات... ۱۳۸۶ و ماده ۳۳۲ قانون مدنی، خود وی مسئول خواهد بود مگر آنکه دخالت اسباب پیش از وی به حدی باشد که اقوی از او به نظر آیند.

۵-۳-۲ تفسیر معیار کنترل یا هدایت

دادگاه تجدیدنظر اختراعات آمریکا، در پرونده‌ی مونی‌آکشن، سعی در ارائه‌ی تفسیری از معیار کنترل هدایت نمود. در این پرونده، خواهان (مونی‌آکشن) علیه تامسون (متصدی حراج) طرح دعوا کرد. اختراع موضوع این پرونده ناظر بر روش‌های الکترونیک برای مدیریت حراج‌های موسسات مالی بود. دادگاه بدوی تمام اختراع ادعایی را غیربدیهی^۲ (حاوی گام ابتکاری)^۳ تشخیص داده و نهایتاً ضمن تمسک به احکام نقض مستقیم مشترک، خواننده را محکوم به جبران خسارت کرد.^۴ زیرا خواننده، اختراع ادعایی را به گونه‌ای اصلاح کرده بود که در اجتماع با اقدامات پیشنهاددهنده‌ها، منتهی به نقض اختراع فرآیند موضوع دعوا می‌شد. تامسون نسبت به رای فوق اعتراض نمود و دادگاه تجدیدنظر با عنایت به معیار جدید کی‌اس‌آر^۵، ضمن بدیهی اعلام کردن بخشی از ادعاهای اختراع ادعایی، اعلام

۱- مانند وضعیت سرپرست نسبت به اشخاص تحت سرپرستی و یا رابطه‌ی کارگر و کارفرما.

2- Nonobvious.

3- Inventive Step.

4- MuniAuction, Inc. v. Thomson Corp., No. 01-1003, 2006 U.S. Dist. LEX-IS57461 (W.D. Pa. Aug. 11, 2006).

5- See KSR Int'l Co. v. Teleflex Inc., 127 S. Ct. 1727, 1739 (2007).

به منظور مطالعه تفصیلی در خصوص معیار کی‌اس‌آر به عنوان یکی از معیارهای احراز گام ابتکاری در اختراع، رک: حامد نجفی، گام ابتکاری در حقوق اختراعات، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول، ۱۳۹۶، صص ۱۵۲-۱۵۶

کرد که تاسون سایر بخش‌های معتبر (غیربدیهی) اختراع را به طور مشترک نقض نکرده است. در حقیقت بخشی از اختراع ادعایی خواهان بدیهی (فاقد گام ابتکاری) تشخیص داده شد و چون باقیمانده بخش‌های اختراع نیز توسط اشخاص متعدد صورت پذیرفته بود، دادگاه به قواعد نقض مشترک تمسک جست.

مسئله این بود که آیا اقدامات پیشنهاد دهنده و متصدی حراج در اجتماع با یکدیگر می‌تواند منتهی به شناسایی ارتکاب نقض مستقیم از سوی متصدی حراج شود؟ در این زمینه دادگاه ضمن اشاره به معیار بی‌ام‌سی^۱، اظهار داشت که شخص نمی‌تواند با واگذاری انجام برخی از مراحل یک فرآیند ثبت‌شده از مسئولیت نقض مستقیم فرار کند اما در هر حال این امر زمانی محقق می‌شود که چنین شخصی بر تمام مراحل فرآیند مذکور کنترل داشته یا آن را هدایت نموده باشد، به گونه‌ای که اجرای هر یک از مراحل اختراع ادعایی قابل استناد به شخص دارای کنترل گردد.^۲

دادگاه بر مبنای رای بی‌ام‌سی، به این نتیجه دست یافت که معیار کنترل یا هدایت در صورتی محقق می‌شود که وفق اصول کلی مسئولیت نیابتی، شخص دارای کنترل، واجد مسئولیت نیابتی به جهت اقدامات ارتکابی توسط شخصی که فرآیند ثبت‌شده را تکمیل نموده، تلقی گردد.

با توجه به رویکرد دادگاه تجدیدنظر اختراعات آمریکا در این پرونده مشخص می‌شود که از منظر این دادگاه، شرط اثبات نقض مشترک فرآیند این است که طبق اصول کلی حقوق نمایندگی و مسئولیت نیابتی در این کشور، شخص واجد کنترل یا هدایت‌کننده، مسئول تلقی گردد. بنابراین، صرف اثبات کنترل یا هدایت کافی نیست و خواهان باید علاوه بر آن، تحقق پیش‌شرط‌های احراز مسئولیت نیابتی را نیز اثبات نماید.^۳

1- BMC Resources, Inc. v. Paymentech, L.P., No. 06-1503 (Fed. Cir. Sept. 20, 2007).

2- Muniauction, Inc. v. Thomson Corp., 532 F.3d 1318, 1321 (Fed. Cir. 2008), cert. denied, No. 08-847, 2009 U.S. LEXIS 1925 (U.S. Mar. 9, 2009).

۳- عده‌ای از محققان در این خصوص معتقدند که اعمال معیار مسئولیت نیابتی کبی‌رایت در این زمینه می‌تواند کارساز باشد: رک:

۳-۶ تغییر معیار نقض مشترک (معیار صرف انگیزش)

بعد از صدور رای در پرونده‌های بی‌ام‌سی و مونی‌آکشن که متضمن تاسیس معیار جدیدی در احراز نقض مشترک بودند، دادگاه در پرونده آکامای معیار جدیدتری را بنا نهاد که البته با اصول کلی حقوق اختراعات آمریکا در تعارض قرار دارد.^۱ در این پرونده دادگاه ضمن توسعه مفهوم نقض انگیزشی و عدم توجه به معیارهای نقض مشترک در خصوص ادعاهای فرآیند، قاعده جدیدی موسوم به «صرف انگیزش» را ایجاد کرد. بر اساس قاعده صرف انگیزش، چنانچه تمام مراحل یک فرآیند ثبت شده اجرا شود (نقض گردد)، حتی اگر صاحب حق نتواند اثبات کند که این مراحل توسط شخص واحد صورت پذیرفته، نقض انگیزشی محقق می‌گردد. در این زمینه اکثریت قضات پرونده آکامای، اجرای تمام مراحل فرآیند ثبت‌شده را به منظور تحقق نقض انگیزشی ضروری دانستند اما اعلام کردند که اثبات اجرای تمام مراحل توسط یک شخص لازم نیست.

به نظر می‌رسد این قاعده خلاف مقررهای است که احراز نقض غیرمستقیم را منوط به اثبات نقض مستقیم می‌داند.

دادگاه به رغم تاکید بر اینکه فقط شخص واحد می‌تواند نسبت به نقض مستقیم مسئول واقع شود، رای داد که چون اقدامات شخص ثالث (کسی که باقیمانده مراحل فرآیند ثبت‌شده را انجام داده) قابل استناد به خواننده دعوا است، مسئولیت ناشی از نقض مستقیم بر عهده شخص اخیر می‌باشد.

تا قبل از صدور رای آکامای، در سه صورت شخص نسبت به نقض مستقیم فرآیند ثبت‌شده مسئولیت داشت:

- ۱- چنانچه شخص تمام مراحل اختراع ثبت‌شده را شخصا انجام می‌داد؛
- ۲- در صورتی که او از طریق یک نماینده عمل می‌کرد (در این شرایط اصول سنتی نمایندگی اعمال می‌شد)؛

۱- اختراع موجود در پرونده آکامای ناظر بر ذخیره‌سازی و انتقال سریع آثار چند رسانه‌ای مانند تصاویر و فیلم‌ها در اینترنت بود. رک:

Akamai Tech., Inc. v. Limelight Networks, Inc., 629 F.3d 1311 (Fed. Cir. 2010), see also Akamai Tech., Inc. v. Limelight Networks, Inc., 614 F. Supp. 2d 90, 96 (D. Mass. 2009).

۳- در فرضی که وی قراردادی را به منظور اجرای بخشی از مراحل توسط شخص ثالث با او منعقد می‌نمود.

دو قسم اخیر ناظر بر معیار کنترل یا هدایت است که با لحاظ اصول کلی مسئولیت نیابتی، در پرونده‌های بی‌ام‌سی و مونی آکشن مورد تصریح قرار گرفت. رای آکامای از دو جنبه با رویه قضایی سابق بر خود تفاوت دارد:

۱- در حالی که طبق بند ب ماده ۲۷۱ قانون اختراعات آمریکا، وقوع نقض مستقیم، شرط تحقق نقض انگیزشی نیز می‌باشد، رای آکامای بدون تحقق این امر متضمن حکم نسبت به وقوع نقض انگیزشی است.

۲- بر خلاف رویه سابق، رای آکامای صرف قابلیت استناد ارتکاب نقض فرآیند به شخص واحد را به منظور تحقق نقض مستقیم فرآیند ثبت‌شده کافی می‌داند.

تطبیق این معیار با وضعیت حقوق ایران موجب می‌شود تا اسباب و نه‌به‌باشین نقض با مسئولیت مواجه شوند. برای مثال چنانچه شخصی (سبب) پیشین نقض فرآیندی چند مرحله‌ای باشد، و همو خواننده‌ی دعوا قرار گیرد، طبق اعمال معیار جدید در رای آکامای این شخص مسئولیت خواهد داشت. اما در حقوق ایران، اصولاً مباشر نقض (یعنی کسی که مرحله‌ی نهایی فرآیند ثبت‌شده را اجرا می‌کند) مسئولیت دارد مگر آنکه اقوی بودن عرفی سبب احراز گردد. البته با عنایت به عدم وجود قاعده شخص واحد در حقوق ایران، نمی‌توان در جایی که بروز نقض منتسب به عامل واحد نیست، همانند حقوق آمریکا، مسئولیت بدون احراز وقوع نقض مستقیم تلقی کرد. در پایان این بخش می‌توان گفت، دادگاه‌های آمریکایی معیارهای مختلفی را به منظور حل و فصل این چالش ابداع کرده‌اند که در طول زمان دستخوش تغییر و تحول بوده است؛ معیارهایی مانند نمایندگی، مشارکت و اقدام مرکب و میزانی از رابطه که در نهایت منتهی به ابداع معیار کنترل یا هدایت در پرونده بی‌ام‌سی شد و متعاقب آن در پرونده مونی آکشن مورد اتباع واقع گشت. در پرونده اخیر، دادگاه به منظور احراز معیار کنترل یا هدایت، به شرایط مسئولیت نیابتی احاله نمود و بر همین مبنا بود که صرف صدور دستورالعمل از جانب ناقض ادعایی را موجب تحقق معیار کنترل یا هدایت ندانستند.

مطابق معیار کنترل یا هدایت، هرگاه اثبات شود سایر افرادی که خواننده‌ی

اصلی دعوی نقض تقسیم‌شده (مشترک) را در نقض مجموع اختراع مساعدت نموده‌اند، تحت هدایت یا کنترل وی بوده‌اند، نقض مستقیم محقق شده و مسئولیت تحمیل خواهد شد. با این همه، دادگاه‌ها در زمینه احراز معیار کنترل و شرایطی که مبتنی بر آن چنین معیاری از منظر دادگاه تحقق می‌یابد، رویه واحدی را اتخاذ نمی‌کنند.

برخی دادگاه‌ها به رغم وجود رابطه قراردادی بین عوامل و اشخاصی که تجمیع اقدامات آنها موجب نقض شده، با استناد به عدم علم خواننده به فرآیند ثبت شده خواهان، معیار هدایت یا کنترل را محرز ندانسته‌اند.^۱ در مقابل، برخی دادگاه‌ها نیز با استناد به وجود رابطه قراردادی بین عوامل متعدد نقض، معیار کنترل یا هدایت را احراز کرده و حکم به مسئولیت ناقضین داده‌اند.^۲ شماری از دادگاه نیز با اتکا به رای مونی‌آکشن، صرف صدور دستورالعمل به منظور تکمیل باقیمانده مراحل فرآیند ثبت‌شده را مثبت معیار کنترل یا هدایت تلقی نکرده‌اند.^۳

البته معیار کنترل یا هدایت با نقدهایی مواجه شده است؛ برخی بر این باورند که این معیار با رویه قضایی مستمر در این زمینه مغایرت دارد (Greskowiak 2010:385 and seq) و عده‌ای نیز معتقدند که چنین معیاری مسیر سوءاستفاده را برای اشخاص به منظور نقض حقوق صاحبان اختراع هموار می‌کند چه آنکه اشخاص قادر خواهند بود با انعقاد قراردادهای واجد تعهدات مستقل، ضمن نقض حقوق صاحبان اختراع، مفاد بندهای ب و ج ماده ۲۷۱ قانون اختراعات آمریکا را زائل کنند. (Lemley et al., op.cit: 262)

1- Gammino v. Cellco Partnership 527 F. Supp. 2d 395.

2- TGIP, Inc. v. AT&T Corp 527 F. Supp. 2d 561, 569 (E.D. Tex. 2007); Privasys, Inc. v. Visa Internationa No. C 07-03257 SI, 2007 U.S. Dist. LEXIS 86838, at *1 (N.D. Cal. Nov. 14, 2007).

3- See Emtel, Inc. v. LipidLabs, Inc., 583 F. Supp. 2d 811 (S.D. Tex. 2008); Rowe Int'l Corp. v. Ecast, Inc., 586 F. Supp. 2d 924 (N.D. Ill. 2008); Global Patent Holdings, LLC v. Panthers, 586 F. Supp. 2d 1331 (S.D. Fla. 2008).

برآمد

مطابق بند الف ماده ۲۷۱ قانون اختراعات آمریکا، نقض مستقیم اختراع زمانی محقق می‌شود که در اختراعات فرآیند، تمام مراحل اختراع توسط شخص واحد صورت گیرد. در حقیقت مقرر فوق هیچ راه‌حلی برای نقض مشترک ارائه نمی‌دهد. این در حالی است که ممکن است اشخاص با سوءاستفاده از این خلأ قانونی و تبانی با یکدیگر، حقوق مخترعین را نقض و از مسئولیت نیز فرار کنند و این مسأله موجب می‌شود تا حقوق بسیاری از اختراعات به راحتی نادیده گرفته شود. این مسأله به ویژه در خصوص فرآیندهای دارویی و دیجیتال که از اهمیت فراوانی برخوردارند، می‌تواند مشکلات عدیده‌ای را تولید نماید. وانگهی چنانچه فعل تک‌تک افراد نیز مشمول مسئولیت قرار گیرد، قطع نظر از آنکه رقابت در بازار مختل می‌شود، مقرر نقض مشارکتی و انگیزشی مندرج در بندهای ب و ج ماده ۲۷۱ قانون اختراعات آمریکا، بی‌وجه خواهد بود زیرا وفق مقررات اخیر علم یا قصد ناقض، شرط مسئولیت است.

به نظر می‌رسد می‌توان گفت تمام معیارهایی که در رویه قضایی آمریکا شکل گرفته‌اند، دائرمدار احراز نوعی رابطه میان اشخاص مختلفند تا با توسل به آن معضل قاعده شخص واحد را حل کنند. بنابراین، شاید بتوان گفت که معیار وجود رابطه، ملاک اصلی رویه قضایی آمریکا به منظور احراز نقض مشترک اختراع فرآیند است که رابطه‌ی مزبور گاهی با اتکا به قواعد نمایندگی به دست می‌آید و گاهی نیز مقررات حقوق خطاها در زمینه اقدام مشترک، دادگاه را در شناسایی و احراز رابطه یاری می‌رساند.

در حقوق ایران قاعده شخص واحد وجود ندارد و بر این مبنا قانون و رویه قضایی در احراز نقض فرآیند ثبت‌شده با چالش‌های حقوق آمریکا مواجه نیست؛ دادگاه‌های ایرانی می‌توانند به ویژه با استناد به مواد ۳۳۲ قانون مدنی (اجتماع سبب و مباشر)، ۳۲۸ قانون مدنی (قاعده فقهی اتلاف مال غیر)، حکم نقض مشترک را در یافته و بدون توسل به نهاد دیگری مانند نمایندگی، شرکت در خطا و رابطه، حکم به مسئولیت ناقض نمایند. نقض اختراع مشمول قاعده اتلاف و احکام راجع به آن است زیرا به موجب آراء فقهی اتلاف شامل اتلاف حکمی نیز می‌شود و در نقض

اختراع، هر چند عین مال فکری تلف نمی‌شود اما به سبب وقوع نقض، زیانی به دارایی مخترع وارد می‌آید که آن را مضمون عنوان تلف حکمی قرار می‌دهد. علاوه بر این، چون اختراع با تعاریف فقها از مال، منطبق است، تردیدی در شمول قاعده اتلاف نسبت به نقض اختراع اعم از فرآورده یا فرآیند نیست. بنابراین، از منظر فقهی نیز در خصوص اختراعات فرآیند، اصل بر آن است که شخصی که آخرین مرحله از مراحل اختراع را به مرحله اجرا می‌گذارد، متلف تلقی شده و همو واجد مسئولیت است زیرا تا قبل از اجرای مرحله آخر، همه چیز در حالت طبیعی قرار داشته و نقضی محقق نشده است. با این حال، چون ممکن است که اعمال قاعده اتلاف نسبت به نقض اختراع در برخی موارد به نتایج غیرمنصفانه منتهی شود، پیشنهاد می‌شود که در خصوص فرآیندهای ثبت‌شده، هرگاه مباشر نقض (مجری مرحله‌ی نهایی فرآیند) جاهل به وجود فرآیند ثبت‌شده بوده و مسبب نقض (مجری مراحل اولیه‌ی فرآیند)، عالم به فرآیند مزبور باشد، به رغم مباشرت مادی مباشر جاهل در وقوع نقض (تلف حکمی مال)، مسئولیت را بر دوش مسبب عالم قرار دهند، زیرا در این حالت عرف نیز نمی‌تواند بین ورود ضرر و فعل مباشر، رابطه‌ی سببیت برقرار کند. به عبارت دیگر، عرف در این وضعیت ورود ضرر را به فعل مسبب عالم منتسب می‌داند نه مباشر جاهل.

منابع

- آیتی، حمید، (۱۳۷۵ ه.ش) *حقوق آفرینش‌های فکری*، تهران: نشر حقوقدان، چاپ اول.
- بابایی، ایرج، اسماعیل کشاورز، (۱۳۹۶ ه.ش) *مفهوم خطا و نقش آن در ساختار طبقه‌بندی مسئولیت مدنی؛ مقایسه حقوق رومی، کامن‌لا و ایران*، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۷۹ و ۸۰.
- پیلوار، رحیم، (۱۳۹۰ ه.ش) *نظریه‌ی کار به عنوان مبنای مالکیت در حقوق اسلام و فلسفه جان لاک*، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال سوم، شماره ۵.
- جعفرزاده میرقاسم، محمدرضا قاضی‌زاده، ۱۳۹۲، *مسئولیت مدنی نقض حق اختراع، مسئولیتی تقصیرمحور یا مطلق؟*، مجله تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه شماره ۱۳.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ (۱۳۸۷ ه.ش) *ترمینولوژی حقوق*، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ نوزدهم.
- صادقی، محسن، ۱۳۸۷، *حمایت از ابداعات دارویی و الحاق به سازمات تجارت جهانی*، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲ ه.ش). *موجبات ضمان، درآمدی بر مسئولیت مدنی و اسباب و آثار آن در فقه اسلامی*، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۸ ه.ش) *عقود معین ۱*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم، ج ۱.
- لطفی، اسد الله، (۱۳۸۷ ه.ش) *قواعد فقه مدنی*، تهران: سمت، ج ۱.
- محقق داماد، مصطفی، (۱۳۸۳ ه.ش). *قواعد فقه*، ج ۱، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مدنی، مهسا، ۱۳۹۲، *وکالت ثانوی (مطالعه تطبیقی در فقه، حقوق ایران و انگلیس)*، تهران، چاپ اول انتشارات جنگل.
- میرحسینی، سید حسن، (۱۳۸۷ ه.ش) *حقوق اختراعات*، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- نجفی، حامد، ۱۳۹۶، *گام ابتکاری در حقوق اختراعات*، تهران، چاپ اول، مجمع علمی و فرهنگی مجد.

- ابن قدامه، محمد عبد الله بن احمد بن محمد، (۱۴۰۵ ه.ق.)، *المغنی*، بیروت: عالم‌الکتب.
- ایروانی، علی، (۱۴۱۸ ه.ق.)، *القواعد الفقهیه*، قم، مؤسسه‌الفقه لبطاعه و النشر، چاپ دوم، ج ۲.
- ایروانی، علی، (۱۴۲۶ ه.ق.)، *حاشیة کتاب المکاسب*، ج ۱، ص ۲۲، قم: چاپ باقر فخار اصفهانی.
- بجنوردی، سیدمحمد (۱۴۲۴ ه.ق.)، *قواعد فقهیة*، تهران: نشر میعاد، مؤسسه اسلامی ولی امر(عج).
- تبریزی، میرزا جواد، (۱۴۲۸ ه.ق.)، *تنقیح المبانی الاحکام (کتاب الديات)*، چاپ اول.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶ ه.ق.)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ج ۱۴ و ۲۴.
- حلی، جعفر بن حسن محقق، (۱۴۰۸ ه.ق.)، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۴۰-۲۴۱.
- خمینی، روح‌الله، (۱۳۸۸ ه.ش.)، *کتاب البیع*، ج ۱، تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر امام خمینی، ۱۳۸۸ ه.ش.
- خوبی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۳ ه.ق.)، *مبانی تکمله المنهاج*، قم: دارالهادی، چاپ دوم، ج ۳.
- خوبی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۲ ه.ق.)، *مصباح الفقاهه فی المعاملات*، ج ۲، بیروت: دارالهادی، ۱۴۱۲ ه.ق.
- رشتی، میرزا حبیب الله بن محمد علی، (۱۳۸۹ ه.ش.)، *کتاب الغصب*، تهران: مدرسه‌ی عالی شهید مطهری.
- روحانی، سید صادق، (۱۴۱۲ ه.ق.)، *فقه الصادق(ع)*، قم: دارالکتاب، ج ۱، ص ۱۹.
- سیوطی، جلال‌الدین بن عبدالرحمن، (۱۴۱۸ ه.ق.)، *اشباه و النظائر*، ج ۱، ص ۲۲۱، دارالسلام، قاهره، چاپ اول.
- شهید ثانی، (۱۴۱۳ ه.ق.)، *مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام*، قم: مؤسسه‌ی معارف اسلامی، ج ۱۲.

- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، (۱۹۹۲ م)، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، مؤسسه تاریخ العربی.
- شهید اول، (۱۴۱۴ ه.ق)، *الدروس الشرعیة*، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ج ۳.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳ ه.ق)، *قواعد الاحکام*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول
- غروی نائینی، محمد حسین، (۱۳۷۳ ه.ش)، *منیه الطالب فی حاشیه المکاسب (تقریرات بحث موسی نجفی خوانساری)*، تهران: مطبعه الحیدریه، ج ۱.
- فاضل لنکرانی، محمد، (۱۴۲۵ ه.ق)، *القواعد الفقهیة*، قم: مرکز الفقه الاثمه الاطهار، چاپ دوم، ۱۴۲۵، ج ۱.
- کاشف الغطاء، محمدحسین، (۱۳۵۹ ه.ق)، *تحریر المجله*، تهران-قم: مکتبه النجاح، ج ۱، ج ۳.
- محقق ثانی، (۱۴۱۰ ه.ق)، *جامع المقاصد*، قم، آل البيت، ج ۶.
- مراغی، سید میر عبدالفتاح بن علی حسینی (۱۴۱۷ ه.ق)، *العناوین الفقهیة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۲.
- مصطفوی، سید کاظم، (۱۴۱۲ ه.ق)، *مأنه قاعده الفهیة (القواعد)*، قم، مؤسسه نشر الامی، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۸ ه.ق)، *العروة الوثقی مع تعلیقات*، قم، نشر امام امیرالمومنین ع، چاپ اول، ج ۲.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۱۱ ه.ق)، *القواعد الفقهیة*، قم، مدرسه‌ی امام امیرالمومنین، چاپ دوم، ج ۲.
- نجفی، محمد حسن، (۱۳۷۳ ه.ش)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، ج ۳۷ و ۴۲، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، با همکاری جمعی از پژوهشگران، (۱۴۲۳ ه.ق) *موسوعه الفقه الاسلامی*، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، ج ۹.

- Bessen , James & Michael J. Meurer, (2008), *Patent Failure-How Judges, Bureaucrats, and Lawyers Put Innovators at Risk*, Princeton University Press.
- Black's Law Dictionary (8th ed. 2004).
- Chisum , Donald S, (1990), *patents: A Treatise on the Law of Patentability, Validity and Infringement*, M. Bender.
- Chisum, Donald S,(1992), Michael A. Jacobs,*Understanding Intellectual Property Law*, M. Bender.
- Cotropia,Christopher A.,(2005), *Patent Claim Interpretation Methodologies and Their Claim Scope Paradigms*, 47 Wm. & Mary L. Rev.
- Crouch,Dennis,(2012),*Joint Infringement: Federal Circuit Changes the Law of Inducement*, PATENTLYO.COM (Aug. 31,2012),<http://www.patentlyo.com/patent/2012/08/joint-infringement-federal-circuit-changes-the-lawof-inducement.html>.
- Faber Robert C. ,(2013), Faber on Mechanics Patent Claim Drafting § 4:3 ,6th ed.
- Greskowiak , Stacie L., (2010), *Joint Infringement after BMC: The Demise of Process Patents*, 41 Loy. U. Chi. L.J.
- Harmon , Robert L,Cynthia A. Homan ,Charles M. McMahon, (2011), Patents and the Federal Circuit, BNA Books, 10th edition.
- Harmonl ,Robert L, (2007), Harmon on Patents: *Black Letter Law & Commentary*, BNA Books.
- Holbrook ,Timothy R.(2008), *Extraterritoriality in U.S. Patent Law*, 49 Wm. & Mary L. Rev.
- Keith ,Robinson,W.(2012), *No 'Direction' Home: An Alternative Approach to Joint Infringement*, American University

- Larsen, Joshua P., Seminar Article, (2008), ***Liability for Divided Performance of Process Claims After BMC Resources, Inc. v. Paymentech, L.P.***, 19 DEPAUL J. ART TECH. & INTEL. PROP. L.
- Lemley et al, Mark A., (2005), ***Divided Infringement Claims***, 33 AIPLA Q.J.
- Lundstedt, Lydia, (2016), ***Territoriality in Intellectual Property Law***, Sweden, Stockholm University.
- Mark A. Lemley, Property, (2005), ***Intellectual Property, and Free Riding***, 83 TEX. L. REV.
- Moore, Stephen W., (2013), ***Note, A Last Step Rule for Direct Infringement of Process Claims: Clarifying Indirect Infringement and Narrowing Joint Infringement***, 61 Clev. St. L. Rev.
- Stratton III, Rex B., (1968), ***Joint Adventure or Joint Enterprise—Two Theories of Vicarious Liability***, 30 Mont. L. Rev.
- Tridico, Anthony C. Ph.D, (2011), ***The Changing Law of Multiparty Patent Infringement in the U.S. and How It Differs from Europe: Part One***, Bloomberg Law Reports.
- Veeraraghavan, Sriranga, (2012), ***Joint Infringement of Patent Claims: Advice for Patentees***, 23 Santa Clara High Tech. L.J.
- Wild, Ellis, Webster's New World Law Dictionary, Wiley, Hoboken, NJ, 2006.

Criteria For the direct infringement of the patent process; a comparative study of Iranian and American Law

Mahsa Madani

Advances in technology have led to a particular type of patent infringement, known in US law as a joint infringement. Criteria such as representation, degree of relationship, joint action, control or guidance, and motivation are used to justify the infringement in such a case. In any case, the main criterion in the US seems to be “relationship”, which appears in the form of various criteria. In Iranian law, considering the absence of single-entity rule, the joint infringement of patented processes is governed by the presumption of civil and criminal first and secondary cause aggregation, And it can be said that by applying the jurisprudential rule of wast and the loss and the principle of direct cause responsibility in the case of aggregation with cause Puts an end to such disputes. This is considered an advantage of Iranian law over the United States. In the present study, while explaining the concept of joint infringement, the criteria of US jurisprudence in this regard are analyzed and the position of Iranian law is also clarified.

Keywords: joint infringement, patented Process, US Law, Iranian Law, Loss Rule